

مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران
شماره بیست و هشتم، ۱۳۸۲، صص ۲۴۱ - ۱۴۹

نهادهای بین‌المللی تجارت: گات و سازمان تجارت جهانی*

Professor John H. Jackson

مترجم: دکتر محمد جعفر قنبری جهرمی**

۱. سیستم برتن وودز (Bretton Woods) و زمینه آن

امروز شاهد موجودیت سازمان تجارت جهانی (WTO) به‌عنوان نهاد اصلی تجارت بین‌الملل هستیم، اما برای شناخت این نهاد، لازم است آگاهی‌هایی در مورد سلف آن یعنی سازمان گات (GATT) داشته باشیم. حقیقت امر این است که اساسنامه سازمان تجارت جهانی به اهمیت سوابق و رویه‌های گات تصریح دارد. ماده ۱۶ اساسنامه اعلام می‌کند که: «تصمیمات، رویه‌ها و عملکردهای عرفی طرفهای متعاقد گات ۱۹۴۷ و ارگانهای تشکیل یافته در چارچوب آن راهنمای سازمان تجارت جهانی خواهد بود». با توجه به این که «رویه عرفی» - اعم از رویه‌های مبتنی بر

*. نوشته حاضر از فصل دوم کتاب ذیل انتخاب و ترجمه شده است:

John H. Jackson, The World Trading System; Law and Policy of International Economic Relations (1997) 2ed edition, the MIT Press, pp. 31-38.

** استادیار و عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

معاهدات^۱ - تشکیل دهنده و تفسیرکننده قواعد حقوق بین الملل می باشند، در بیشتر موارد سوابق و رویه‌ها در سازمانها و حقوق بین الملل - در مقایسه با نظامهای حقوق داخلی - از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردارند. بنابراین در این نوشته سوابق تاریخی گات تا مرحله شکل‌گیری اساسنامه سازمان تجارت جهانی و همچنین اجرای آن در عمل بررسی خواهد شد.^۲

اگرچه برای سالهای متعددی گات در عناوین خبری روزنامه‌ها به‌عنوان مهمترین معاهده حاکم بر روابط تجاری بین‌المللی مطرح بوده است، واقعیت این است که موافقتنامه گات هرگز به‌عنوان معاهده لازم‌الاجرا نشد. چگونه این امر ممکن بود و چه وقایع تاریخی و نهادین طی سالهای شکل‌گیری گات (۱۹۵۰-۱۹۴۷) منجر به چنین وضعیتی گردید؟ چگونه این وقایع تاریخی بر عملکرد و توان گات تأثیر گذاشته است و چگونه این سوابق تاریخی ممکن است بر سازمان تازه تأسیس تجارت جهانی تأثیر گذارد؟ اینها برخی از مسائلی هستند که در این نوشته به آنها اشاره خواهد شد. اگرچه معاهده گات هرگز با این عنوان به اجرا در نیامده

1. See Article 31 of the Vienna Convention on the Law of Treaties, done at Vienna, 23 May 1969.

2. See generally John H. Jackson, *World Trade and the Law of GATT* (Indianapolis: Bobbs-Merrill, 1969); John H. Jackson, William Davey, and Alan Sykes, *Legal Problems of International Economic Relations* (St. Paul: West, 3d ed., 1995); and John H. Jackson, Jean-Victor Louis, and Mitsuo Matsushita, *Implementing the Tokyo Round* (Ann Arbor: University of Michigan Press, 1984). See also Robert Hudec, *The GATT Legal System and World Trade Diplomacy* (New York: Praeger, 1975).

For an overview of GATT's troubled history, see William Diebold, *The End of the ITO* (Princeton, NJ: Princeton University Press, 1952); Richard N. Gardner, *Sterling-Dollar Diplomacy* (Oxford: Clarendon Press, 1969); William A. Brown, *The United States and the Restoration of World Trade* (Washington DC: Brookings Institution, 1950); Clair Wilcox, *A Charter for World Trade* (New York: Macmillan, 1949).

است، لازم است روشن گردد که تعهدات ناشی از گات - به دلیل اوضاع و احوال تاریخی که شرح داده می‌شود - مطابق حقوق بین‌الملل الزام‌آور بوده‌اند.

چارچوب تعهدات معاهداتی برای امور اقتصادی بین‌الملل

قبل از بررسی سوابق تاریخی گات و سازمان تجارت جهانی، نگرشی بر قواعد بین‌المللی ناظر بر امور اقتصادی می‌تواند مفید واقع شود. روابط اقتصادی بین‌المللی در نظام حقوق بین‌الملل اصولاً تابع معاهدات است تا حقوق عرفی. در بیشتر موارد، معاهدات سازمانهای بین‌المللی را تأسیس می‌کنند. در این موارد، سؤالات حقوقی جالبی در خصوص تأسیس و عملکرد سازمان مزبور و همچنین اختیارات آن در وضع قواعد «ثانویه» در قالب تصمیمات، مقررات و یا احیاناً اسناد فرعی شبه معاهده مطرح می‌شوند.^۳

سندوق بین‌المللی پول (IMF)،^۴ بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (IBRD)^۵ یا بانک جهانی و گات عمده‌ترین سازمانهای بین‌الدولی در روابط اقتصادی بین‌المللی می‌باشند. این سازمانها بطور جمعی سیستم «برتن وودز» را تشکیل می‌دهند. اگرچه سازمان گات در کنفرانس برتن وودز ایجاد

3. Charles H. Alexandrowicz, *The Law-Making Function of the Specialized Agencies of the United Nations* (Sydney: Angus and Robertson, 1973); Henry Schermers and Niels Blokker, *International Institutional Law* (Rockville, MD: Sijthoff and Noordhoff, 3d ed., 1995); Marcel A. G. Van Meerhaeghe, *International Economic Institutions* (Boston: Martinus Nijhoff, 4th ed., 1985).

4. Margaret Garritsen de Vries, *The International Monetary Fund, 1966-1971: The System Under Stress* (Washington DC: IMF, 1976).

5. See Edward Mason and Robert Asher, *The World Bank Since Bretton Woods* (Washington DC: Brookings Institution, 1973).

نگردید، با این وجود کشورهای شرکت کننده در کنفرانس ضرورت ایجاد سازمان تجارت بین‌المللی (ITO) را مطرح نمودند. در حقیقت پس از سالها سازمان تازه تأسیس تجارت جهانی (WTO) به نحوی جای خالی یکی از ارگانهای سیستم «برتن وودز» را پر کرده است.

تعداد سازمانهای فعال در حوزه اقتصاد بین‌المللی کم نیست. هم‌اکنون از ۳۹۰۰ سازمان بین دولتی که در سالنامه سازمانهای بین‌المللی از آنها نام برده شده است، حداقل از ۳۰۰ سازمان می‌توان نام برد که با مسائل اقتصادی سروکار دارند.^۶

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چشم انداز سازمانهای اقتصادی بین‌المللی چگونه است؟ این سازمانها را می‌توان در انواع زیر طبقه‌بندی نمود:

دسته اول شامل سازمانهای اقتصادی عمومی است که با هدف حل مشکلات بخش‌های مختلف اقتصادی ایجاد شده و از این رو کشورهای زیادی (ولی ضرورتاً نه همه کشورها) را تحت تأثیر قرار می‌دهند. سازمانهای وابسته به سیستم «برتن وودز»، متشکل از صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و دو سازمان وابسته^۷ به آن [یعنی مؤسسه بین‌المللی توسعه و مؤسسه مالی بین‌المللی]، سازمان گات و [جانشین آن] سازمان تجارت جهانی، هسته اصلی این دسته از سازمانها را تشکیل می‌دهند. دو سازمان بین‌المللی مهم دیگر را می‌توان در مجموعه دسته اول طبقه‌بندی

6. Union of International Associations, Yearbook of International Organizations (Munich: K. G. Saur, 32nd ed. 1995/96).

7. The International Bank for Reconstruction and Development (the World Bank) is a sister organization to the IMF, all members of the bank being obliged to be members of the IMF.

نمود، یکی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)^۸ - اگرچه این سازمان اصولاً متشکل از کشورهای صنعتی غربی است - و دیگری «کنفرانس سازمان ملل متحد راجع به تجارت و توسعه»^۹ (UNCTAD) که سازمان فرعی سازمان ملل متحد است، بنابراین همه اعضای این سازمان در آن عضویت دارند. عنوان آنکتاد بیشتر مسائل خاص کشورهای در حال توسعه را تداعی می‌کند، هرچند حوزه فعالیت آن محدود به مسائل مزبور نیست. شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (ECOSOC) را نیز می‌توان در این دسته قرار داد.^{۱۰}

دسته دوم از سازمانهای اقتصادی بین‌المللی سایر سازمانهای تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد را دربر می‌گیرد که معضلات و موضوعات خاصی را وجهه همت خود قرار داده‌اند. به‌عنوان مثال، سازمان تغذیه و کشاورزی (FAO) به مسائل مربوط به کشاورزی توجه دارد؛ سازمان هواپیمایی کشوری (ICAO) با حمل و نقل هوایی سروکار دارد، سازمان بین‌المللی کار (ILO) برای بهبود شرایط کار و سطح زندگی کارگران تلاش می‌کند و سازمان دریانوردی بین‌المللی (IMO) حمل و نقل دریایی را موضوع فعالیت خود قرار داده است.^{۱۱}

8. See OECD, Annual Reports; Goran Ohlin, "The Organization of Economic Cooperation and Development", International Organization 22 (1968), 231; Van Meerhaeghe, supra note 4, chapter 8; Miriam Camps, "First World" Relationships: The Role of the OECD (New York: Council on Foreign Relations, 1975).

9. Robert S. Walters, "UNCTAD: Intervenor Between Poor and Rich States", Journal of World Trade Law 7 (1973), 527.

10. See generally Walter Sharp, The United Nations Economic and Social Council (New York: Columbia University Press, 1969); Ali Syed Amjad, The Record and Responsibilities of the Economic and Social Council (New York: United Nations, 1952).

11. On the FAO, see documents relating to the Food and Agriculture Organization of the United Nations, 1 August-14 December, 1944 (1945); Gove Hambidge, FAO, Food and Agriculture

دسته سوم متشکل از سازمانهای «منطقه‌ای» است، که در بیشتر موارد در قالب «اتحادیه گمرکی»، «مناطق آزاد تجاری» یا موافقتنامه‌های موقتی که در نهایت به یکی از دو شکل اول منجر می‌شوند، موجودیت می‌یابند. بی‌شک مهمترین نمونه این سازمانها جامعه اروپایی (EC) یا به اصطلاح امروز «اتحادیه اروپایی» (EU)^{۱۲} است که هم‌اکنون ۱۵ کشور اروپایی در آن عضویت دارند و شاید منسجم‌ترین اتحادیه گمرکی در جهان را به نمایش گذارد.^{۱۳} در عین حال، علاوه بر جامعه اروپا تعدادی از سازمانهای اقتصادی منطقه‌ای دیگر وجود دارند که بطور نسبی از درجه متفاوتی از انسجام و ثبات برخوردارند. برای مثال، در گذشته منطقه آزاد تجاری اروپا (EFTA) اهمیت زیادی داشت^{۱۴} ولی بعد از این که بیشتر اعضای آن به جامعه اروپا پیوستند نقش و اهمیت آن کاهش یافت.^{۱۵} اخیراً

Organization of the United Nations, Cornerstone for a House of Life (Washington DC: FAO, 1946).

On the ICAO, see Thomas Buergenthal, Law-Making in the International Civil Aviation Organization (Syracuse, NY: Syracuse University Press, 1969).

On the ILO, see Anthony Alcock, History of the International Labor Organization (New York: Macmillan, 1971); David Morse, The Origin and Evolution of the ILO and Its Role in the World Community (Ithaca, NY: Cornell University Press, 1969).

On the International Maritime Organization, see Samir Mankabady, ed., The International Maritime Organization (London, NH: Croom Helm, 1984).

12. See "Names After Maastricht", Common Market Law Review 1 (1994), 4-7.

13. See Robert Stem, Philip Trezise, and John Whalley, eds., Perspectives on a U.S.-Canadian Free Trade Agreement (Washington, DC: Brookings Institution, 1987); William Diebold, ed., Bilateralism, Multilateralism, and Canada in U.S. Trade Policy (Cambridge, MA: Ballinger, 1988); George A. Bermann, Roger J. Goebel, William J. Davey, and Eleanor M. Fox, Cases and Materials on European Community Law (St. Paul: West, ed., 1993).

14. Frederick Meyer, The European Free Trade Association: An Analysis of "The Outer Seven" (New York: Praeger, 1960); Robert Middleton, Negotiating on Non-Tariff Distortions of Trade: The EFTA Precedents (London: Macmillan/TPRC, 1975).

15. See note 3, 350.

تأسیس موافقتنامه تجارت آزاد امریکای شمالی (NAFTA) را شاهد بوده‌ایم که سازمان منطقه‌ای مهمی از این دست است.^{۱۶}

دسته چهارم سازمانها و موافقتنامه‌های بین‌المللی مرتبط با مسائل اقتصادی شامل موافقتنامه‌های بین‌المللی متنوع مربوط به داد و ستد کالاهای اساسی می‌گردد.^{۱۷} شمار این گونه موافقتنامه‌ها تا اواسط سال ۱۹۹۶ هیچ‌ده مورد بوده که هر یک به کالای خاصی مانند شکر، قلع و غیره نظارت دارد. برخی از این موافقتنامه‌ها سوابق پیچیده و مخصوص به خود را دارا بوده، برخی خاتمه یافته و برخی غیر فعال می‌باشند.^{۱۸}

دسته پنجم سازمانها و موافقتنامه‌های مرتبط به امور اقتصادی در برگیرنده تعداد زیادی موافقتنامه یا سازمان است که تخصصی‌تر از دسته قبل می‌باشند. یک نمونه مهم سازمان گمرک جهانی (WCO) است که قبلاً تحت عنوان شورای همکاری گمرکی (CCC) فعالیت می‌کرد. مقرّ سازمان گمرک جهانی در بروکسل و حیطة فعالیتشان مسائل مربوط به طبقه‌بندی گمرکی است. این سازمان همکاری تنگاتنگی با سازمان گات [تا سال ۱۹۹۵ که منحل شد] و سازمان تجارت جهانی دارد.^{۱۹} سازمان مزبور در دوره‌ای که هنوز شورای همکاری گمرکی خوانده می‌شد، به تصویب

16. See North American Free Trade Agreement Implementation Act, Section 107, Pub. L. 103-182, 107 Stat. 2057 (1993).

17. On commodity agreements, see Fiona Garden-Ashworth, *International Commodity Control: A Contemporary History and Appraisal* (London: Croom-Helm, 1984).

18. For example, the International Tin Council ceased trading in 1985, and the resulting upheaval brought about a number of interesting cases in the U.K. courts. See Ilona Cheyne, "The International Tin Council" *International and Comparative Law Quarterly* 36 (1987), 931-935.

19. 22 UST 320, TIAS No. 7063, 157 UNTS 129. See also the "International Convention on the Simplification and Harmonization of Customs Procedures (Kyoto Convention)". Done at Kyoto, 18 May 1973. Entered into force in the United States, 28 January 1984.

«عهدنامه بین‌المللی راجع به تعریف هماهنگ کالا و سیستم کد بندی» توفیق یافت.^{۲۰} سازمان جهانی حقوق مالکیت معنوی (WIPO) نمونه دیگری است که در این دسته بندی قرار می‌گیرد. مقر این سازمان در ژنو قرار داشته و با مسائلی نظیر حق اختراع و حق طبع و نشر سروکار دارد.^{۲۱} به‌علاوه موافقتنامه‌های خاص دیگری را می‌توان نام برد که روابط حقوقی گروه محدودی از کشورها را درخصوص آبراه‌ها یا رودخانه‌های مشترک بین آنها (مثل موافقتنامه مرز آبی سال ۱۹۰۷ میان کانادا و امریکا^{۲۲} یا موافقتنامه راجع به رودخانه راین)^{۲۳} قانونمند ساخته است.

نهایتاً آخرین دسته از این نوع موافقتنامه‌ها شامل هزارها موافقتنامه دوجانبه مشابهی است که بر روابط اقتصادی کشورهای متعاقد حاکم‌اند. قبل از دهه ۱۹۵۰ معاهدات مودت، بازرگانی و کشتیرانی (FCN) در روابط دو جانبه از اهمیت بسیار برخوردار بود.^{۲۴} اما در دهه‌های اخیر، با انعقاد معاهدات چند جانبه‌ای همچون گات یا موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی اهمیت‌شان رو به کاهش نهاده و از شمار آنها کاسته شده است. از سوی دیگر، در دهه‌های اخیر برنامه گسترده‌ای جهت ایجاد شبکه‌ای از معاهدات مرتبط با سرمایه‌گذاری دو جانبه - دست کم در تعداد زیادی از کشورهای صنعتی مثل آلمان، فرانسه و ایالات متحده - به اجرا درآمده

20. See infra section 5.

21. 21 UST 1749, TIAS No. 9964, 828 UNTS 3.

22. TS 548. See Charles Beans, *Treaties and Other Agreements of The United States of America 1776-1949* (Washington DC: U.S. Department of State, 1974).

23. See Ernest Fraenkel, *Military Occupation and the Rule of Law; Occupation Government in the Rhineland, 1918-1923* (London: Oxford University Press, 1944).

24. Eric V. Youngquist, "United States Commercial Treaties: Their Role in Foreign Economic Policy, *Studies in Law and Economic Development*", George Washington University International Law Society, vol. 2, study no. 1 (1967).

است که موضوع آنها بسیار محدودتر از معاهدات مودت، بازرگانی و کشتیرانی است. اما هر دو نوع از معاهدات یاد شده موضوعات مشابهی همچون ضوابط خاص ناظر به غرامت ناشی از مصادره سرمایه‌های خارجی و نیز سایر مسائل مرتبط با سرمایه‌گذاری در کشورهای ثالث را دربرمی‌گیرند. ایالات متحده امریکا اخیراً به انعقاد این‌گونه معاهدات اقبال بیشتری نشان داده و تا اواسط سال ۱۹۹۶ معاهدات متعددی را از این دست منعقد نموده و به اجرا گذاشته است.^{۲۵} در طول دهه ۱۹۳۰، معاهدات دوجانبه فراوانی مرتبط با تجارت بین‌المللی وجود داشتند که بیشتر آنها با انعقاد موافقتنامه گات در سال ۱۹۴۷ خود بخود فسخ گردیدند. از این میان می‌توان از تعداد معتناهی از معاهدات دو جانبه مالیاتی نام برد.

سؤال اساسی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا سازمان‌ها و معاهدات بین‌المللی مذکور - چه از لحاظ تعداد و موضوعات تحت پوشش و چه از لحاظ ساختار و تشکیلات - این توانایی را دارند تا به مسائل جدید و پیچیده‌تر ناشی از وابستگی متقابل اقتصادی کشورهای جهان به یکدیگر پاسخگویی نمایند؟ از این گذشته ترتیبات سازمانی پیش‌بینی شده در معاهدات مزبور با یکدیگر تفاوت فاحش دارند. برای مثال برخی از سازمانها سیستم «رأی‌گیری وزنی»^{۲۶} [یا کیفی] دارند. اما در بیشتر موارد سیستم رأی‌گیری «هر دولت یک رأی»^{۲۷} بکار گرفته شده است که در مواردی با اعطای امتیازات ویژه به یک ارگان فرعی یا نخبه متشکل از تعداد محدودی از اعضا (مثلاً یک شورای خاص در سازمان با اختیارات

25. See for example, investment treaties with Latvia, Albania, Mongolia, Trinidad and Tobago, Estonia, Georgia, Ukraine, Jamaica, Belarus, Ecuador, Moldova, Kazakhstan, Kyrgyzstan, Argentina, and Bulgaria.

26. See Schermers and Blokker, *supra* note 3, 681-683.

27. For example, GATT and many UN bodies.

اضافی) تعدیل شده است. به علاوه درجه تدابیر پیش‌بینی شده به منظور تضمین «کارایی» مقررات مندرج در معاهدات مزبور (مثلاً در رابطه با ضمانت اجراها) با یکدیگر فرق دارد؛ همانطور که درجه «کارایی و اثر» خود معاهدات متفاوت می‌باشد.²⁸

آنچه آمد تصویری هر چند کوچک از چشم اندازی است که نظام تجارت بین‌الملل را باید در پرتو آن بررسی کرد؛ چشم اندازی بسیار پیچیده و در حال تغییر که زمینه ساز موانع و در عین حال فرصتهایی است که اغتنام از آنها دیپلماسی سازنده‌ای را طلب می‌کند.

۲. لغزش‌های اساسی در مراحل آغازین شکل‌گیری گات²⁹

تحولات اولیه در قواعد تجارت بین‌الملل

سابقه همکاری بین‌المللی را به منظور به نظم در آوردن اقدامات ملی مؤثر بر تجارت بین‌المللی می‌توان تا دوره‌ای که تاریخ نوشته وجود دارد، به عقب برگرداند.³⁰ در طول قرون وسطی ایجاد نهاد شهر - کشور و اتحادیه هنسیاتیک (Hanseatic League، متشکل از شهرهای آلمان) نمونه بارزی از این سابقه طولانی است. ایجاد «حقوق بازرگانی» (Law Merchant) که بعداً به دست لرد منسفیلد (Lord Mansfield) در اواخر قرن ۱۸ وارد کامن‌لا انگلستان گردید، نمونه‌های دیگری از تلاش برای ایجاد نوعی ثبات

28. See Pieter VerLoren van Themaat, *The Changing Structure of International Economic Law* (Boston: Martinus Nijhoff, 1981); Pieter Van Dijk, ed., *Supervisory Mechanisms in International Economic Organizations* (Deventer: Kluwer/TMC Asser Institute, 1984); Stephen M. Schwebel, ed., "The Effectiveness Of International Decisions" (Papers and Proceedings of a Conference of the American Society of International Law [1971]).

29. See generally Jackson, *supra* note 2.

30. VerLoren van Themaat (*infra* note 34, at p. 1) makes the history begin in the Middle Ages, in the Hansa context.

و نظم قابل پیش‌بینی در روابط تجاری بین‌المللی می‌باشد.^{۳۱} با این حال این معاهده ۱۷۱۳ اوترخت است که از آن به‌عنوان طلیعه موافقتنامه گات یاد شده است.^{۳۲}

با توسعه معاهدات دو جانبه مودت، بازرگانی و کشتیرانی طی قرون ۱۷ و ۱۸ گام مهمی در تنظیم روابط اقتصادی بین کشورهای نوظهور برداشته شد.^{۳۳} موضوعات تحت پوشش معاهدات مزبور از تجارت کالا فراتر می‌رفت و با درج شرط «ملت‌های کامله الوداد» و «رفتار ملی» [با اموال و سرمایه‌گذاری اتباع بیگانه] زمینه‌ساز بنیانهای اساسی در ساختار گات گردیدند.

ولی تحولات چند جانبه نوین برای ضابطه‌مند کردن تجارت بین‌الملل عمدتاً از اواخر قرن ۱۹ آغاز گردید. در سال ۱۸۹۰ معاهده راجع به «تأسیس اتحادیه بین‌المللی جهت انتشار تعرفه‌های گمرکی» به امضا رسید.^{۳۴} جلسات و کنگره‌های بین‌المللی متعددی در سالهای ۱۹۰۰، ۱۹۰۸ و ۱۹۱۳ برای بررسی مشکلات مرتبط با همکاری گمرکی و به دنبال آنها کنفرانسهای دیگری راجع به همین موضوع در سالهای ۱۹۲۰، ۱۹۲۲، ۱۹۳۰، ۱۹۲۷، ۱۹۲۳، و ۱۹۳۳ برگزار گردید.^{۳۵} کنفرانس بین‌المللی ۱۹۲۳ در

31. Edmund Heward, Lord Mansfield (Chichester: Barry Rose, 1979), 99-105.

32. See Pieter VerLoren van Themaat, "Restructuring the International Economic Order; Some Keynotes", in Restructuring the International Economic Order: The Role of Law and Lawyers, Peter van Dijk, Fried van Hoof, Alfred Koers, and Kamiel Moreland, eds. (Deventer: Kluwer, 1987), 1.

33. See Georg Schwarzenberger, "The Principles and Standards of International Economic Law", Recueil des Cours-Academie de Droit International (1965/1), 1.

34. See Amos Peaslee and Dorothy Xydis, International Governmental Organizations Constitutional Documents (The Hague: Martinus Nijhoff, 2d ed., 1961), 1506.

35. See Hans Aufricht, Guide to League of Nations Publications (New York: Columbia University Press, 1951), 217-230.

مورد «تشریفات گمرکی» با حمایت جامعه ملل، کنوانسیون را تحت عنوان «کنوانسیون بین‌المللی تسهیلات گمرکی» به تصویب رساند که اکثر موضوعاتی را که امروزه در گات مطرح هستند تحت پوشش قرار می‌داد. ضمن این که جامعه ملل طی سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۳۶ یک رشته مطالعات در مورد مشکلات تجارت بین‌المللی به انجام رساند که الهام‌بخش ابتکارات بین‌المللی بعدی در زمینه تجارت گردید.

جنگ جهانی دوم و سیستم برتن وودز

ابتکارات عمده منتهی به تأسیس گات در طول جنگ جهانی دوم توسط ایالات متحده آمریکا با همکاری متحدانش بویژه دولت پادشاهی انگلیس صورت گرفت. دو دیدگاه متمایز در طول جنگ بر این کشورها تأثیر گذارده بود. دیدگاه اول مربوط به برنامه موافقتنامه‌های تجارت [متقابل] بود که ایالات متحده بعد از تصویب «قانون موافقتنامه‌های متقابل تجاری ۱۹۳۴» اتخاذ کرد. بین سالهای ۱۹۳۴ و ۱۹۴۵ ایالات متحده ۳۲ موافقتنامه دو جانبه راجع به تجارت متقابل^{۳۶} منعقد نمود که بیشتر آنها دارای شروطی بودند که غالب مقررات کنونی موافقتنامه گات را تحت‌الشعاع قرار داده‌اند.

دیدگاه دوم در دوره جنگ از این دیدگاه نشأت می‌گرفت که اشتباهات مرتبط با سیاست اقتصادی در طی دوره بین دو جنگ (۱۹۴۰-۱۹۲۰) یکی از علل اصلی مصائب منتهی به جنگ جهانی دوم بوده است. رکود بزرگ اقتصادی در آمریکا و همچنین سیاست خشن پرداخت غرامت که بر آلمان‌ها تحمیل گردیده بود از علل دیگر جنگ

36. See Jackson, supra note 2, 37.

دوم محسوب شده‌اند.^{۳۷} در سالهای بین دو جنگ بویژه پس از امضای قانون زیانبار ۱۹۳۰ ایالات متحده راجع به تعرفه، تعداد دیگری از کشورها به تصویب مقررات حمایتی اعم از محدودیتهای کمی (سهمیهای) مبادرت ورزیدند که این امر به رکود بیشتر تجارت بین‌المللی انجامید. از این رو، رهبران سیاسی امریکا و سایر کشورها با صدور بیانیه‌هایی بر اهمیت و نقش نهادهای اقتصادی برای دوره پس از جنگ جهت جلوگیری از وقوع مجدد این اشتباهات تأکید ورزیدند.

با توجه به دلایل و شرایط فوق، کنفرانس برتن وودز در سال ۱۹۴۴ برگزار گردید.^{۳۸} این کنفرانس که عمدتاً برای حل بحرانهای پولی و بانکی تشکیل شده بود، منشور صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی (بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه) را به تصویب رساند، ولی به معضلات و مسائل مربوط به تجارت نپرداخت. بدون تردید علت امر این بود که کنفرانس توسط وزرای دارایی کشورها برپا شده و مورد حمایت قرار گرفته بود، در حالی که موضوع تجارت در صلاحیت وزرای دیگری قرار داشت (با توجه به بررسی تاریخچه کنفرانس‌های تجاری، اگر کنفرانس برتن وودز کلیه مسائل روابط اقتصادی بین‌المللی اعم از تجارت را مورد بررسی قرار می‌داد، وضعیت چگونه می‌شد؟). با این وجود در سوابق کنفرانس ۱۹۴۴ ضرورت

37. See for example, Richard N. Cooper, "Trade Policy as Foreign Policy", in US. Trade Policies in a Changing World Economy, Robert M. Stern, ed. (Cambridge, MA: MIT Press, 1987), 291-336.

38. The conference was held from 1-22 July 1944, at Bretton Woods, NH. See Jackson, supra note 2, 40.

وجود نهادی تجاری مشابه برای تکمیل نهادهای پولی صندوق بین‌المللی پول، رسماً اعلام شده است.^{۳۹}

سازمان ملل و فعالیتهای مقدماتی برای ایجاد سازمان تجارت بین‌المللی

(ITO): ۱۹۴۸ - ۱۹۴۵

در سال ۱۹۴۵ دو دیدگاه فوق در ایجاد سازمانی برای تجارت بین‌المللی به یکدیگر نزدیک شدند. در ایالات متحده، کنگره این کشور قانون مربوط به موافقتنامه‌های تجاری متقابل را در سال ۱۹۴۵ برای دوره سه ساله تمدید نمود^{۴۰} و در دسامبر همان سال، دولت ایالات متحده از تعدادی از کشورها به منظور مذاکره جهت انعقاد موافقتنامه چند جانبه راجع به کاهش متقابل تعرفه‌ها دعوت به عمل آورد. همچنین در سال ۱۹۴۵، سازمان ملل تشکیل گردید و در فوریه ۱۹۴۶، ارگان فرعی آن (اکوساک) در اولین نشست خود قطعنامه‌ای را به تصویب رساند که طی آن تشکیل کنفرانسی به منظور تهیه پیش‌نویس منشوری جهت تأسیس سازمان تجارت بین‌المللی درخواست شده بود.^{۴۱} در این مقطع ایالات متحده آمریکا پیش‌نویس اساسنامه سازمان تجارت بین‌المللی پیشنهادی خود را انتشار داد و کمیته تهیه متون مقدماتی اولین نشست خود را در اکتبر ۱۹۴۶ در شهر لندن برگزار نمود.

بطور کلی، با احتساب نشست ۱۹۴۶ کمیته یاد شده در لندن، چهار نشست مقدماتی به منظور تکمیل پیش‌نویس اساسنامه‌ای برای سازمان

39. See United Nations Monetary and Financial conference (Bretton Woods, NH, 1-22 July 1944), Proceedings and Documents 941 (U.S. Department of State Pub. No. 2866, 1948).

40. See Act to Extend the Authority of the President under section 350 of the 1930 U.S. Tariff Act as amended, and for other purposes, 5 July 1945, Pub. L. 79-130., 59 Stat. 410.

41. 1 UN ECOSOC Res. 13, UN Doc. E/22 (1946).

تجارت بین‌المللی برگزار گردید. اسناد رسمی گوناگون این نشست‌ها بر ۲۷ هزار صفحه - مندرج در بیشتر از یکصد جلد - بالغ می‌گردد.^{۴۲} نشست دوم جلسه کوتاهی بود که «کمیته تهیه پیش‌نویس» در اوایل ۱۹۴۷ در لیک ساکسس (در شهر نیویورک) برگزار نمود. نشست سوم و اصلی از آوریل تا نوامبر ۱۹۴۷ در شهر ژنو و متعاقباً در سال ۱۹۴۸ نشست چهارم در شهر هاوانا (کوبا) به منظور تکمیل اساسنامه سازمان تجارت بین‌المللی برگزار گردید.

تاریخچه تمهیدات مقدماتی تأسیس گات با اقدامات اولیه تهیه اساسنامه سازمان تجارت بین‌المللی درهم آمیخته است. نشست ۱۹۴۷ ژنو در واقع کنفرانس مفصلی بود که به سه بخش عمده (یا آن‌گونه که بعضی گفته‌اند یک «سیرک سه میدانه») تقسیم شده بود. بخشی از کنفرانس مأموریت داشت که اساسنامه یک سازمان عمده تجاری بین‌المللی را - تحت عنوان سازمان تجارت بین‌المللی (ITO) - تهیه نماید. بخش دوم مذاکره جهت تنظیم موافقتنامه چند جانبه برای کاهش متقابل تعرفه‌ها را تعقیب می‌کرد و بخش سوم تهیه پیش‌نویس «شروط عمومی» تعهدات راجع به تکالیف مربوط به تعرفه‌ها را وجهه همت خود قرار داده بود. بخش‌های دوم و سوم‌اند که با یکدیگر گات - یعنی موافقتنامه عمومی راجع به تعرفه و تجارت - را به وجود می‌آورند.

شروط عمومی پیش‌نویس گات تکالیفی را بر دولت‌ها تحمیل می‌کرد که بر مبنای آنها این دولت‌ها از توسل به اقدامات محدود کننده تجاری گوناگون منع می‌شدند. این شروط که از موافقتنامه‌های تجاری دو جانبه

42. Estimate based on examination of the documents. GATT headquarters in Geneva, of course, has a practically complete collection.

ایالات متحده نشأت می گرفت، برای حفظ ارزش تعهدات مرتبط با کاهش تعرفه‌ها ضروری به شمار می رفتند.^{۴۳} با این وجود، موافقتنامه گات با هدف ایجاد سازمانی بین‌المللی تنظیم نشده بود، و شاهد این مدعا این که کمیته‌های ذی ربط در کنگره از مذاکره کنندگان دولت امریکا خواسته بودند در خصوص موافقت ابتدایی‌شان با شروط پیش‌نویس گات که از آن پذیرش ایجاد سازمانی به این منظور استنباط می شد، توضیح دهند. رئیس‌جمهور امریکا و مذاکره کنندگان وی بر این اعتقاد بودند که اساسنامه سازمان تجارت بین‌المللی باید به منظور تصویب به کنگره ارجاع گردد. اما از نظر دولت ایالات متحده، موافقتنامه گات بر اساس مجوز ۱۹۴۵ کنگره در مورد موافقتنامه‌های تجاری مذاکره می شد و نیاز به تصویب کنگره نداشت. ولی کمیته‌های ذی صلاح کنگره اظهار می داشتند که قانون ۱۹۴۵ (در مورد تمدید اختیارات قوه مجریه) به رئیس‌جمهور مجوز انعقاد موافقتنامه‌ای راجع به تأسیس سازمان مورد بحث را اعطا نکرده بلکه فقط انعقاد موافقتنامه‌های راجع به کاهش تعرفه‌ها و سایر محدودیتهای تجاری را مجاز دانسته است. مطابق این دیدگاه، شروط عمومی گات به‌عنوان مکمل هرگونه موافقتنامه راجع به کاهش تعرفه‌ها ضروری بود، هرچند شروط ساختاری — سازمانی موضوع دیگری قلمداد می شد. از این رو مذاکره کنندگان امریکایی به ژنو مراجعت و شروط عمومی گات را بازنویسی کردند تا هرگونه شائبه توافقی نسبت به تشکیل سازمان از آن محو گردد. از این رو است که تصمیمات چند جانبه در گات باید توسط

43. For example, if a tariff commitment for a maximum 10 percent tariff charge were made, a country might nevertheless decide to use a quantitative restriction to prevent imports and thus would evade the trade-liberalizing effect of the tariff commitment.

اقدامات جمعی «طرفهای متعاقد» اتخاذ گردد و نه بوسیله «یک رکن سازمانی».^{۴۴}

در نتیجه مذاکره کنندگان در ژنو برای خود دو وظیفه قائل بودند: اول تهیه پیش‌نویس اساسنامه سازمان تجارت بین‌المللی (که قرار بود در سال ۱۹۴۸ در هاوانا تکمیل و نهایی گردد) و دوم مذاکره راجع به موافقتنامه گات (مشمول بر جداول مفصل کاهش تعرفه‌ها که قرار بود به شروط عمومی گات منضم گردد). این جداول در برگیرنده هزارها تعهد جداگانه مرتبط با تعرفه و ماحصل جلسات دو جانبه بسیار زیاد میان مذاکره کنندگان بود. این تعهدات به نوبه خود و در نهایت منجر به تعهدات کلی کاهش تعرفه گردید که به کلیه اعضای گات از طریق تکلیف مبتنی بر «شروط ملتهای کامله الوداد» اعمال می‌شد.

در حالی که قصد اولیه این بود که موافقتنامه گات در حد موافقتنامه‌ای چند جانبه باقی بماند و به تأسیس یک سازمان نینجامد و مشابه موافقتنامه‌های دو جانبه مسبق بر خود باشد، ولی در عمل اکنون به گونه‌ای طرح‌ریزی شده که به عنوان زیرمجموعه سازمان تجارت بین‌المللی - پس از موجودیت این سازمان - عمل نماید. شروط عمومی گات تا حدود زیادی از یکی از فصول پیش‌نویس اساسنامه سازمان تجارت بین‌المللی که به قواعد تجاری اختصاص داشت و به نوبه خود شدیداً متأثر از شروط بکار رفته در معاهدات دو جانبه تجاری قبلی بود، اقتباس گردیده بود. موافقتنامه گات حاوی ماده‌ای بود که به موجب آن بعد از نهایی شدن اساسنامه سازمان تجارت بین‌المللی، مواد مندرج در گات به منظور همخوانی با مواد

44. See GATT, Article XXV, and Jackson, supra note 3, 126.

مشابه مندرج در اساسنامه مزبور مورد جرح و تعدیل قرار می‌گرفت.^{۴۵} یکی از تبعات مهم این تاریخچه مقدماتی که گات را به اساسنامه سازمان تجارت بین‌المللی مرتبط می‌سازد این است که تاریخچه متون مقدماتی سازمان تجارت بین‌المللی - اعم از برخی موارد مربوط به کنفرانس هاوانا (که بعد از لازم‌الاجرا شدن برخی از تعهدات گات برگزار گردید) - در تفسیر مقررات گات مؤثر می‌باشد.^{۴۶}

پیش‌نویس اساسنامه سازمان تجارت بین‌المللی در کنفرانس ۱۹۴۸ هاوانا نهایی گردید، ولی سازمان مزبور هرگز موجودیت پیدا نکرد. علت اصلی این امر عدم تصویب کنگره امریکا بود. رئیس‌جمهور امریکا در سال ۱۹۴۹ پیش‌نویس اساسنامه را به کنگره ارائه نمود، ولی تا سال ۱۹۴۸ وضعیت اضطراری دوران جنگ برای ایجاد سازمانهای جدید، جای خود را به گرایش به عادی‌سازی داده بود. از سوی دیگر با انتخابات ۱۹۴۸ ایالات متحده جمهوریخواهان در کنگره اکثریت کرسی‌ها را به خود اختصاص دادند، در حالی که رئیس‌جمهور هم‌چنان از دموکراتها بود. بدون تردید عوامل دیگری بر این روند اثرگذار بودند،^{۴۷} اما در پایان سال ۱۹۵۰ رئیس‌جمهور ترومن اعلام نمود که دیگر تصویب اساسنامه را از کنگره درخواست نخواهد کرد و به این ترتیب هرگونه شانس برای موجودیت یافتن سازمان تجارت بین‌المللی از بین رفت. اگرچه سایر کشورها می‌توانستند تأسیس این سازمان را پیگیری کنند، ولی در این مقطع زمانی با برتری قدرت اقتصادی ایالات متحده در جهان - که هیچ‌گونه آسیبی از جنگ ندیده بود - هیچ کشوری تمایل نداشت که وارد سازمان بین‌المللی

45. See GATT, Article XXIX.

46. See Jackson, *supra* note 2.20 et seq., 48-49.

47. See the works of Diebold, Gardner, and Wilcox, *supra* note 2.

تجاری شود بدون این که ایالات متحده در آن عضویت داشته باشد. طنز قضیه همین بس که این ایالات متحده بود که گامهای اولیه را در راستای تدوین اساسنامه سازمان تجارت بین‌المللی برداشته بود.^{۴۸}

گات و پروتکل اجرای موقت (Protocol of Provisional

(Application

در ابتدا بیان شد که چرا گات هرگز لازم‌الاجرا نگردید ولی امروزه به‌عنوان سازمان عمده تجارت بین‌المللی شناخته می‌شود؟ از لحاظ فن حقوقی پاسخ به این سؤال در «پروتکل اجرای موقت» یافت می‌شود که از طریق آن گات به‌عنوان معاهده‌ای که تابع حقوق بین‌الملل بود، به اجرا گذارده شد. این وضعیت مستقیماً نتیجه سابقه‌ای است که قبلاً بطور مختصر تشریح گردید اما نیاز به توضیح بیشتر دارد.

موافقتنامه گات مشتمل بر تعهدات تعرفه‌ای گوناگون در اکتبر ۱۹۴۷ هنگامی که کنفرانس ژنو به پایان رسید، تکمیل شد. اگرچه قرار بود که موافقتنامه گات زیر مجموعه سازمان تجارت بین‌المللی باشد، با وجود این تصمیم گرفته شده بود که منشور سازمان مزبور بعداً در سال ۱۹۴۸ نهایی شود. و در عین حال، تعداد زیادی از مذاکره‌کنندگان معتقد بودند که موافقتنامه گات باید به دلایل زیر خیلی زودتر به اجرا گذارده شود. اول این که موافقتنامه گات متشکل از هزاران امتیاز تعرفه‌ای منفرد بود. برای مثال، ایالات متحده تعهد نموده بود که تعرفه صندلیهای چوبی را از ۴۰٪ به ۲۰٪ و تعرفه کفشهای چرمی را از ۳۰٪ به ۲۰٪ کاهش دهد. همچنین

48. Susan A. Aaron son, Trade and the American Dream: A Social History of Postwar Trade Policy (Lexington, KY: University Press of Kentucky, 1996).

پادشاهی متحده انگلستان موافقت کرده بود که تعرفه‌های مربوط به سویا، چوب و الوار از نوع درخت کاج و تعداد زیاد دیگری از محصولات را کاهش دهد.⁴⁹ اگرچه [توافق در اعطای] این امتیازات هنوز محرمانه بودند، مذاکره‌کنندگان می‌دانستند که لاجرم محتوای آنها به آگاهی عموم خواهد رسید، همانطور که واقعاً هم چنین شد. بنابراین، تجار تحت تأثیر این اطلاعات قرار خواهند گرفت. فروشندگان کالا ممکن بود کاهش قریب‌الوقوع تعرفه را پیش‌بینی و از فروش کالای خود تا برقراری تعرفه‌های جدید خودداری کنند. در نتیجه چنانچه تأخیری طولانی قبل از لازم‌الاجرا شدن امتیازات تعرفه‌ای جدید بوقوع می‌پیوست، روند تجارت جهانی می‌توانست بطور جدی مختل گردد.⁵⁰

دلیل دیگر برای به اجرا در آوردن زود هنگام موافقتنامه گات - که بویژه مذاکره‌کنندگان ایالات متحده را تحت تأثیر قرار می‌داد - این بود که آنها مطابق مجوز قانون تجارت ایالات متحده که در سال ۱۹۴۵ [برای مدت سه سال] تمدید شده بود، مذاکره می‌کردند. مطابق این مجوز آنها نیازی به ارجاع موافقتنامه به مجلس کنگره نداشتند، اما قانون مزبور در اواسط سال ۱۹۴۸ از اعتبار می‌افتاد.⁵¹ بنابراین، ایالات متحده (با همراهی متحدانی که به این امر آگاه بودند) جهت به اجرا در آوردن موافقتنامه گات قبل از سپری شدن موعد قانون مزبور انگیزه قوی داشتند. لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه گات [بطور عادی] می‌توانست بعد از کنفرانس ۱۹۴۸ هاوانا و تکمیل منشور

49. U.S. Department of State, Analysis of General Agreement on Tariffs and Trade (Washington, DC: U.S. Department of State, 1947). 112-125, 147-171.

50. See Jackson, supra note 2, 62; UN Doc. EPCT/TAC/7,3 (1947).

51. The act expired on June 12, 1948. See Jackson, supra note 2, 37.

سازمان تجارت بین‌المللی انجام پذیرد که این بعد از سپری شدن مهلت قانون ۱۹۴۵ می‌بود و لذا انتظار جایز نبود.

از سوی دیگر، مشکلات پیچیده متعددی جلوی راه لازم‌الاجرا نمودن موافقتنامه گات قرار داشتند. البته، برخی از عبارات مندرج در شروط عمومی موافقتنامه گات باید دقیقاً مشابه عبارات مندرج در منشور سازمان تجارت بین‌المللی می‌بود، اما این مشکل می‌توانست با اصلاحیه بعدی موافقتنامه گات به منظور مطابقت آن با نتایج کنفرانس هاوانا حل گردد.

مشکل دشوارتر این بود که برخی از دولتها مطابق اصول قانون اساسی‌شان قادر نبودند قسمتهایی از موافقتنامه گات (بویژه برخی از شروط عمومی) را بدون ارجاع موافقتنامه مزبور به مجالس قانونگذاری‌شان بپذیرند. با توجه به این که این کشورها پیش‌بینی می‌کردند که پیش‌نویس منشور سازمان تجارت بین‌المللی را باید در اواخر سال ۱۹۴۸ یا بعد از آن تاریخ به مجالس قانونگذاری ارجاع نمایند، آنها [قوه مجریه] نمی‌خواستند به این مجالس امکان دوبار تصمیم‌گیری راجع به موضوعی واحد را بدهند. این دولتها بیم داشتند که صرف تلاش و سرمایه سیاسی لازم جهت تصویب موافقتنامه گات در مجالس مزبور ممکن است تلاش بعدی آنها را جهت تصویب منشور سازمان تجارت بین‌المللی به مخاطره اندازد. از این رو، ترجیح می‌دادند که هر دو موافقتنامه را به‌عنوان «یک مجموعه» به مجالس قانونگذاری‌شان ارائه نمایند.^{۵۲}

راه حل مورد توافق، تصویب پروتکل اجرای موقت بود.^{۵۳} بر اساس این پروتکل هشت کشور از بیست و سه کشور امضاکننده موافقتنامه

52. See UN Doc. EPCT/TAC/4, 8 (1947).

53. 55 UNTS 308 (1947).

گات توافق نمودند که موافقتنامه مزبور را به‌طور موقت از تاریخ اول ژانویه ۱۹۴۸ به اجرا درآورند در حالی که بقیه کشورهای امضا کننده توافق کردند که به‌زودی این امر را به انجام رسانند. پروتکل مزبور حاوی دو شرط مهم بود که آثار موافقتنامه گات را مورد جرح و تعدیل قرار می‌داد. [اول این که] پروتکل فقط صدور اعلامیه ۶۰ روزه را جهت خروج از گات کافی می‌دانست، در حالی که اعلامیه خروج، مطابق موافقتنامه گات باید ۶ ماه قبل صادر می‌شد. در عین حال این تغییر بطور خاص چندان مفید نبود زیرا خروج از گات از لحاظ عملی دست کم برای اعضای مهم آن راهکار مناسبی نبود.

مع‌هذا، مهمترین اثر پروتکل اجرای موقت روشی بود که توسط آن موافقتنامه گات لازم‌الاجرا می‌گردید. بخش‌های اول و سوم موافقتنامه گات بدون هرگونه استثنایی به اجرا در می‌آمد، اما پروتکل اجرای بخش دوم را «در کاملترین حد ممکن به میزانی که با قوانین جاری [موجود] مغایرت نمی‌داشت» طلب می‌نمود. بخش اول موافقتنامه گات حاوی اصل ملتهای کامله الوداد و تعهدات مرتبط با امتیازات تعرفه‌ای بود و بخش سوم به‌طور عمده در برگیرنده مسائل مربوط به آیین کار بود. بخش دوم (مواد ۳ تا ۲۳) غالب تعهدات اساسی ماهوی اعم از تعهدات مربوط به تشریفات حقوق گمرکی، سهمیه بندی‌ها، یارانه‌ها، تعهدات ضد دامپینگ و اصل رفتار ملی را شامل می‌گردید. در خصوص این تعهدات مهم هر عضو متعهد گات [مطابق پروتکل اجرای موقت] نوعی حقوق تحت عنوان «حقوق نیاکان»^{*} در رابطه با قوانین خود که در هنگام عضویت موجود بود، دارا می‌گردید که این امر با تعهدات مندرج در بخش دوم موافقتنامه گات مغایرت داشت.

*. Grandfather Rights.

استثنای «حقوق نیاکان» یا «قوانین موجود» مندرج در پروتکل اجرای موقت برای بیشتر کشورها مشکل اختیارات قوه مجریه در پیوستن به موافقتنامه گات را حل نمود. این استثنا به بیشتر حکومتها اجازه می‌داد که پروتکل اجرای موقت را توسط اختیارات اداری یا اجرایی خود و بدون ارجاع به قوه مقننه تصویب نمایند حال آنکه بدون پروتکل اجرای موقت باید موافقتنامه گات را جهت تصویب به قوه مقننه ارجاع می‌دادند. بدیهی است چنین فرض می‌شد که پس از این که منشور سازمان تجارت بین‌المللی آماده ارجاع به مجالس قانونگذاری کشورها می‌شد، موافقتنامه گات هم به منظور اجرای «قطعی» (مطابق ماده ۲۶ موافقتنامه مزبور) به این مجالس جهت تصویب ارائه می‌گردید. در این مرحله، طرفهای متعاقد گات می‌توانستند خود را از تعهدات مندرج در بخش دوم گات، که بدون مجوز قوه مقننه امکان پیوستن به آنها را نداشتند، معاف نمایند. طرفهای مزبور مکلف بودند که تعهد مربوط به رفتار ملتهای کامله الوداد - مندرج در ماده یک گات - و تعهد مربوط به کاهش تعرفه‌ها - مندرج در ماده دو که ضمایم تعرفه‌ای را شامل می‌گردید - را بپذیرند، غالباً قوه مجریه اختیار پذیرش چنین تعهداتی را دارا می‌باشد. (البته حکومت ایالات متحده چنین اختیاری را از قانون تجارت که در سال ۱۹۴۵ تمدید شده بود، تحصیل کرده بود. این که آیا قوه مجریه ایالات متحده مجوز پذیرش و اجرای کامل موافقتنامه گات طی سالهای ۱۹۴۸-۱۹۴۷ بطور قطعی و بدون ارجاع به کنگره این کشور را دارا بود، قابل بحث است). دولتهایی که بعداً به گات ملحق شدند همان استثنای مربوط به «قوانین موجود» را در شرایط معاهداتی خود وارد نمودند.

اگرچه در پی تأسیس گات، تلاشهایی در جهت «اجرای قطعی» آن صورت پذیرفت، هیچ یک از این تلاشها موفقیت آمیز نبود.^{۵۴} بنابراین تا اواخر حیات گات همچنان استناد به «حقوق نیاکان» به منظور توجیه اقدامات ملی مرتبط با تجارت بین‌المللی را شاهد بوده‌ایم.^{۵۵} در مذاکرات دور توکیو (۱۹۷۹ - ۱۹۷۳) راجع به مقررات مالیاتهای متقابل جبرانی، این زمینه حقوقی بخش عمده‌ای از موضع‌گیری مذاکره‌کنندگان از طرف ایالات متحده را تشکیل می‌داد. زمینه مزبور همچنین برای هیأت رسیدگی‌کننده گات [به اختلافات] راجع به شرط «تولید صنعتی» که حمایت از کپی رایت در ایالات متحده نسبت به بعضی از کتب انگلیسی زبان^{۵۶} وارداتی به این کشور را محدود می‌کرد، مسأله‌ای اساسی بود. تدریجاً بیشتر حقوق به اصطلاح «نیاکان» منسوخ شدند. قوانین تجاری جدید در چارچوب استثنای پروتکل اجرای موقت قرار نمی‌گرفتند و برخی از مقررات قدیمی هم به کلی منسوخ گردیدند و یا به دلایل دیگری یا فاقد اعتبار شدند یا این که نسخ گردیدند. یکی از ویژگیهای سازمان تجارت جهانی حذف هرگونه نگرش کلی [یا استثنا] در مورد «حقوق نیاکان» است، اگرچه یک یا دو مورد از این گونه حقوق به احتمال قوی همچنان ممکن است به وسیله برخی از شروط معاهداتی جدید در مورد تکالیف یا استثنائات موضوعیت داشته باشند.

54. See Jackson, supra note 2, section 3.3.

55. See Edwin Vermulst and Marc Hansen, "The GATT Protocol of Provisional Application: A Dying Grandfather?" 27 Columbia Journal of Transnational Law (1987).

56. GATT, BISD 31 Supp. 74-94 (1985).

پر کردن خلأ [ناشی از عدم تأسیس سازمان تجارت بین‌المللی] توسط

گات

از آنجایی که سازمان تجارت بین‌المللی موجودیت پیدا نکرد، خلأ اساسی در ساختار سازمانهای بین‌المللی اقتصادی که برای دوره بعد از جنگ جهانی دوم در نظر گرفته شده بود، ایجاد شد. لذا طبیعی بود که نهادی که موجودیت داشت (یعنی گات) نقش کاملاً جدیدی را به‌دلیل مراجعه کشورها به آن به‌عنوان محلی برای رسیدگی به مشکلات متعدد فزاینده مرتبط با روابط تجاری‌شان، ایفا نماید. تعداد بیشتری از کشورها گاهی به‌صورت گروهی (نه کشور در سال ۱۹۴۹ و چهار کشور در سال ۱۹۵۱) و گاهی به‌صورت انفرادی^{۵۷} به عضویت گات در آمدند. کشورهای متعاقد تقریباً هر شش ماه معمولاً برای چند هفته جلساتی برگزار کرده و مسائل و مشکلات متعددی را اعم از اختلاف نظر در مورد اجرای قواعد گات مورد بحث قرار می‌دادند. از آنجایی که تصور این بود که گات «سازمان» نمی‌باشد، در آغاز مقاومت جدی برای اعطای هرگونه اختیاراتی، حتی به یک «کمیته»، وجود داشت. به تدریج این مقاومت کم‌رنگ گردید و یک «کمیته موقتی» که در فواصل میان جلسات «طرفهای متعاقد» برقرار بود، ایجاد گردید.^{۵۸}

گات هیچ‌گونه دبیرخانه‌ای نداشت. با این وجود بعد از کنفرانس هاوانا «کمیسیون موقتی برای سازمان تجارت بین‌المللی» موجودیت یافت که از نمونه‌های معمول جهت تهیه مقدمات تأسیس یک سازمان بین‌المللی

57. See Jackson, supra note 3, 92. Under the Annecy Protocol, Denmark, the Dominican Republic, Finland, Greece, Haiti, Italy, Nicaragua, Sweden, and Uruguay acceded; and under the Torquay Protocol, Austria, the Federal Republic of Germany, Peru, and Turkey did so.

58. See Jackson, supra note 2, 154.

پیروی می‌کرد. تعداد اندکی کارمند در این کمیسیون به‌منظور فراهم نمودن زمینه مناسب برای ایجاد سازمان تجارت بین‌المللی حضور داشتند و همین کارمندان به نیازمندیهای گات رسیدگی می‌کردند.^{۵۹} با گذشت زمان مشخص گردید که سازمان تجارت بین‌المللی هرگز موجودیت نخواهد یافت و این کارمندان تمام وقت خود را به خدمت در گات اختصاص دادند، و بدین نحو در عمل به دبیرخانه گات تبدیل گردیدند (از لحاظ فن حقوقی [در آن دوران]، نوعی قرارداد اجاره خدمات کارکنان مزبور بین گات و «کمیسیون موقت برای سازمان تجارت بین‌المللی» وجود داشت که بر مبنای آن گات هزینه‌های دبیرخانه را به کمیسیون مزبور پرداخت می‌کرد).

در طی سالهای اولیه دهه ۱۹۵۰ طرفهای متعاقد گات تصمیم گرفتند که ضرورت دارد که موافقتنامه گات را به‌منظور آمادگی برای نقش در حال تحول آن به‌عنوان سازمان اصلی تجارت بین‌المللی، مورد بازنگری و اصلاح قرار دهند. نهمین نشست عادی کشورهای متعاقد که قرار بود در سالهای ۱۹۵۴-۱۹۵۵ برگزار شود به‌عنوان «نشست بازنگری» نامیده شد و در این نشست که بطور استثنایی خیلی به درازا کشید، دو پروتکل به‌منظور اصلاح گات تهیه شد. یک پروتکل در خصوص بخشهایی از گات که جهت اصلاح اتفاق آرا را ضروری می‌دانستند و پروتکل دیگر برای بخشهایی که فقط دو سوم آرای قبولی را ضروری می‌دانستند (در نهایت پروتکل اخیر که قسمتهایی از بخش دوم موافقتنامه گات را اصلاح می‌کرد،

59. Ibid., chapter 6.

اجرا گردید ولی پروتکل اولی هرگز لازم الاجرا نگردید و در سال ۱۹۶۷ به کلی مسترد گردید).^{۶۰}

نشست بازرنگری سال ۱۹۵۵ همچنین پیش نویس ایجاد یک سازمان جدید را در پروتکلی تهیه نمود. مطابق پروتکل مزبور قرار بود که «سازمان همکاری تجاری» (OTC) به منظور ایجاد چارچوب سازمانی لازم در راستای نقش در حال تحول گات ایجاد شود. اگرچه این موافقتنامه (پروتکل) به اندازه موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت بین‌المللی مفصل نبود، در عین حال مورد موافقت کنگره امریکا قرار نگرفت. بنابراین سازمان همکاری تجاری نافرجام ماند (با این وجود، سازمان همکاری تجاری از چند لحاظ نمونه‌ای برای تفکرات اولیه راجع به سازمان تجارت جهانی قلمداد می‌شود).^{۶۱} بنابراین گات، در مدت نزدیک به پنجاه سال، بدون تقریباً اساسنامه مناسبی که فعالیت و آیین کار آن را تنظیم کرده باشد، انجام وظیفه کرد. با این وجود، مطابق هر تعریف منصفانه‌ای گات را باید از لحاظ عملی یک سازمان بین‌المللی قلمداد نمود. از طریق آزمون و خطا، گات آیین کار تقریباً مفصلی در مورد چگونگی انجام فعالیت‌هایش را بوجود آورده بود. این که گات توانست - به رغم نقص اساسی در اسناد مؤسسه - به این موفقیتها دست یابد، باید به واقع‌گرایی و تیزهوشی رهبران آن در طی سالهای گذشته نسبت داد.

بویژه از رهبرانی که تأثیر به‌سزایی بر تکامل گات داشته است، می‌توان از آقای سراریک ویندهام وایت (از اتباع بریتانیا که در سال ۱۹۶۸ نشان سلطنتی دریافت نمود) نام برد. وی ریاست اجرایی گروه

60. GATT, BISD 14 Supp. 17 (1966).

61. See Jackson, supra note 2, 51.

سازمان ملل که مسؤول ارائه خدمات مرتبط با تهیه پیش نویس کنفرانسهای مربوط به سازمان تجارت بین‌المللی و گات بود، را به‌عهده داشت. سپس وی اولین مدیر اجرایی گات شد (این سمت بعداً به‌عنوان دبیرکل شناخته شد). آقای ویندهام تا سال ۱۹۶۸ که بازنشسته شد^{۶۲} سمت دبیرکلی را به‌عهده داشت. وی سعی داشت که در نقش خدمتگزار مدنی (Civil Servant) بین‌المللی انجام وظیفه نماید؛ یعنی همواره بی طرف عمل نموده و از هرگونه اقدامات ابتکاری که دخالت در تصمیم‌گیری اعضا به‌شمار می‌رفت، پرهیز کند. در عین حال آقای ویندهام درک عمیقی نسبت به مفهوم «احتمالات» داشت و بطور مداوم به‌منظور رسیدن به مقاصد اساسی موافقتنامه گات تلاش می‌کرد. برخی اقدامات تکاملی مهم گات درخصوص آیین حل و فصل اختلافات را به اقدامات آقای ویندهام در پشت صحنه نسبت داده‌اند. در مذاکرات دور کندی راجع به تجارت جهانی از سال ۱۹۶۳ تا سال ۱۹۶۷، نقش آقای ویندهام تعیین‌کننده گزارش شده است، بویژه در هفته‌های آخر مذاکرات، وی نقش مهمی در کمک به دولت‌ها در از بین بردن موانع و رسیدن به توافق نهایی ایفا کرده است.^{۶۳}

در طی دوره مذاکرات دور کندی، طرفهای متعاقد گات اصلاحیه‌ای در خصوص شروط عمومی گات به تصویب رساندند که آخرین اصلاحیه وارده برگات تا به امروز می‌باشد. پروتکلی که بخش چهارم را به موافقتنامه گات اضافه می‌نمود در سال ۱۹۶۵ به تصویب رسید و در سال ۱۹۶۶ لازم‌الاجرا گردید.^{۶۴} بخش مزبور مشکلات کشورهای درحال توسعه

62. See Jackson, *supra* note 2, section 6.3.

63. See "Securing the Foothold", *Time* 91 (17 May 1968), 92; "The Kennedy Round: Sick, Sick, Six", *The Economist* 223 (1967).

64. Protocol Amending the GATT to Introduce a Part IV on Trade and Development, GATT, BISD 13 Supp. 2 (1965).

را مورد توجه قرار می‌داد. مواد ۳۸-۳۶ این بخش اصولاً بیان‌کننده اهداف می‌باشند و در واقع تکالیف ضعیفی را بر عهده اعضا می‌گذارند. در عین حال، عبارات مندرج در این مواد در مباحثات حقوقی و سیاست‌گذاری‌های گات مورد استناد قرار گرفته و تأثیر قابل ملاحظه داشته‌اند.

در قسمت‌های بعدی این نوشته هشت دور عمده مذاکراتی در خصوص تجارت و تعرفه که تا سال ۱۹۹۴ زیر نظر گات صورت پذیرفته‌اند تشریح خواهد شد. دور مذاکراتی ماقبل آخر یعنی دور توکیو (۱۹۷۹-۱۹۷۳) منجر به بسط فعالیتها و صلاحیتهای گات گردید، البته نه از طریق اصلاح موافقتنامه گات بلکه از طریق تعدادی موافقتنامه مجزا که بعضاً «کد» نامیده می‌شدند. از لحاظ فن حقوقی، این «کدها» هر یک معاهده مستقلی بودند و به اقدامات غیر تعرفه‌ای گوناگون که روند تجارت بین‌الملل را مختل می‌کردند، می‌پرداختند، برای مثال مقررات خریدهای دولتی و استفاده از استانداردهای کالا به منظور محدودیت واردات از جمله این گونه اقدامات بودند که در این «کدها» ضابطه‌مند شده بودند.

کدهای مزبور - همانند موافقتنامه گات و انواع گوناگون اصلاحات و موافقتنامه‌های تفسیری مرتبط با آن - همگی بخشی از موافقتنامه‌های زیرمجموعه سازمان تجارت جهانی را تشکیل می‌دهند. بنابراین آنها در قالب دیگری همچنان در حقوق بین‌الملل ادامه حیات داده‌اند.

۳. سازمان تجارت جهانی و دور اروگوئه

اندکی پس از پایان دور توکیو در سال ۱۹۷۹، برخی از رهبران سیاسی بر ضرورت آغاز دور مذاکراتی دیگری تأکید ورزیدند.^{۶۵} از سوی

65. See generally Ernest Preeg, Traders in a Brave New World: the Uruguay Round and the

دیگر، قبلاً توجه به موضوع ضرورت ایجاد یک نظام شبیه به گات برای تجارت خدمات (تجارتی که سهم فزاینده‌ای از اقتصاد ملی کشورهای متعدد - و به تبع آن از تجارت جهانی - را به خود اختصاص می‌داد) جلب شده بود. همین نیاز برای ایجاد چارچوب سازمانی برای قواعد مربوط به حقوق مالکیت معنوی نیز احساس می‌شد، با توجه به این که تعدادی از مؤسسات و سیاست‌گذاران اعتقاد داشتند که «سازمان جهانی مالکیت معنوی»^{*} برای انجام وظایف مندرج در موافقتنامه‌های مورد نظر جدید راجع به مالکیت معنوی نامناسب بود. لذا مباحثی در خصوص این موضوعات در گات صورت پذیرفت و بویژه در کنفرانس وزیران در سال ۱۹۸۲، اعضای گات توجه خود را به تشویق آغاز یک دور مذاکراتی جدید معطوف داشتند. از زوایای مختلف مخالفت‌های زیادی نسبت به این پیشنهاد ابراز گردید. در ابتدا جامعه اروپایی در مورد پرداختن به مسأله تجارت خدمات مردد بود، اما بعدها اهمیت موضوع برای تعداد زیادی از کشورهای عضو جامعه مزبور (مانند پادشاهی متحده انگلستان با مرکز مالی مهم خود در شهر لندن) مشخص گردید. برخی از کشورهای در حال توسعه بطور جدی نگران قوانینی بودند که حقوق مالکیت معنوی را بدون در نظر گرفتن نیازهای این کشورها مورد حمایت قرار می‌داد. تعداد دیگری از کشورهای در حال توسعه نگران بودند که نظامی مشابه گات برای تجارت خدمات، صنعت خدماتی آنها را در مقابل برخی از بنگاه‌های قدرتمند مستقر در کشورهای صنعتی در موقعیت ضعیف‌تری قرار خواهد داد.

Future of the International Trading System (Chicago: University of Chicago Press, 1995); Jackson, Davey, and Sykes, supra note 2.

*. WIPO.

با وجود این، در سپتامبر ۱۹۸۶ در پونتادله اروگوئه کنفرانس گسترده‌ای در سطح وزیران جهت آغاز یک دور مذاکراتی تجاری جدید برگزار گردید. دور مذاکراتی مزبور به مقتضای محل برگزاری کنفرانس «دور اروگوئه» نامیده شد. بیشتر مخالفتها [که قبلاً عنوان می‌شد] بخوبی در کنفرانس از میان رفتند و نتیجه کنفرانس بیانیه‌ای تحت عنوان «بیانیه پونتادله» بود که حاوی برنامه بسیار غیرمعارف و آرمانی بود و رسماً دور مذاکراتی جدید را آغاز می‌کرد. هم موضوع تجارت خدمات و هم حقوق مالکیت معنوی در این برنامه گنجانیده شده بودند، اگرچه در آن زمان این مسأله که آیا آنها بخشی از نظام گات را تشکیل خواهند داد یا این که بخشی از سازمان جدیدالتأسیس خواهند شد، حل نگردیده بود. در فهرست موضوعات جهت مذاکره در دور مذاکراتی جدید، مطالب ذیل از اولویت برخوردار بودند:

- I. قرار دادن تجارت محصولات کشاورزی تحت نظام گات (مسأله‌ای که در کل تاریخ گات همواره مطرح بوده است و در دو دور مذاکراتی قبلی نتوانست مورد اصلاحات قرار گیرد)؛
- II. روشن نمودن هرچه بیشتر قواعد مربوط به یارانه‌ها فراتر از آنچه در «کدهای» دور توکیو اعلام شده بودند؛
- III. توجه دادن به ترتیبات حمایتی مشکل ساز تجارت منسوجات که به نحو نامطلوبی در سیستم گات وجود داشت؛ و
- IV. برخی مسائل دیگر.

دو مقوله که در رابطه با نهادهای نظام تجارت جهانی نیاز به مذاکره داشتند در دو گروه مذاکراتی مورد بررسی قرار گرفتند. گروه اول بر

قواعد حل و فصل اختلافات تمرکز داشت، بویژه با توجه به این که عموماً پذیرفته شده بود که قواعد موجود گات در این خصوص دارای معایب جدی بودند. گروه دیگر «آینده نظام گات (FOGS)» نامیده شده بود که برخی این عنوان را کاملاً برازنده آن می دانستند. نشانه‌های اولیه در خصوص قلمرو کاری این گروه چنین بود که گویا برنامه آنها چندان مفصل نبود. گروه مزبور به معضلات درونی مرتبط با ساختار گات بویژه ارتباط آن با موضوعات پولی و صندوق بین‌المللی پول می پرداخت. برنامه مندرج در بیانیه پونتا نسبت به قصد ایجاد یک سازمان تجاری کاملاً جدید هیچ گونه اشاره‌ای نکرده بود. مذاکره کنندگان بطور جدی در مورد تبعات مشکل آفرین شروط اصلاح گات فکر نکرده بودند. در حقیقت سازشها در پونتادله مذاکره کنندگان را واداشت که حل بعضی از مسائل مربوط به ساختار سازمانی منتج از مذاکرات را تا پایان مذاکرات به تعویق اندازند.

بعد از چند سال مذاکره، نشست بازنگاری میان دوره‌ای در دسامبر ۱۹۸۸ در مونترال کانادا برگزار گردید. بطور کلی این نشست وزیران ناموفق به شمار رفته است زیرا که مواضع مذاکراتی در خصوص تعدادی از مسائل مهم غیرقابل سازش بودند. در عین حال برخی از مشکلات حل شدند و مسأله آیین حل و فصل اختلافات مورد توجه قرار گرفت که در نتیجه برخی اقدامات موقتی به اجرا گذاشته شد. یکی از دلایل مشکل نشست مونترال این بود که ایالات متحده و جامعه اروپایی هر دو در وضعیت انتقال در حکومت قرار داشتند. در ایالات متحده، انتخاب جرج بوش به‌عنوان رئیس جمهور بدین معنی بود که تعداد زیادی از پرسنل و همچنین سیاستهای دولت مزبور به‌زودی تغییر خواهند کرد. جامعه اروپا همچنین در دوره انتقال قرار داشت و کارگزاران عالی‌رتبه جدید برای نهادهای

گوناگون منصوب می‌شدند. از این رو نشست مونترال تا حدود زیادی نشستی محتاطانه بود.

در سالهای بعد مذاکرات ادامه یافت با این قصد که در نشست وزیران در دسامبر ۱۹۹۰ در بروکسل به پایان برسد. در اواسط ششماه دوم سال ۱۹۸۹ این دغدغه پدیدار گشت که چگونه نتایج دور اروگوئه به اجرا در خواهد آمد.^{۶۶} در اوایل ۱۹۹۰، کانادا اولین پیشنهاد رسمی دولتی درخصوص یک سازمان جدیدالتأسیس را که «سازمان تجارت جهانی» نام گذارده بود، ارائه داد. متعاقب آن جامعه اروپایی از این پیشنهاد استقبال نمود اما مایل بود که نام سازمان جدید «سازمان چندجانبه تجارت» باشد.

همچنین ثابت گردید که نشست بروکسل در سال ۱۹۹۰ موفقیت‌آمیز نبود، بطور عمده مشکل مذاکرات به بخش کشاورزی مربوط بود. متعاقب آن، مذاکره‌کنندگان در سطوح پایین‌تر مجدداً به کار روزانه تلفیق مواضع و پیشنهادات بازگشتند و در دسامبر ۱۹۹۱، با تأکید بسیار دبیرکل گات آقای آرتور دانکل متون گوناگون پیشنهادی گروه‌های مذاکره‌کننده (که در حدود ۲۰ گروه بودند) در یک پیش‌نویس واحد تحت عنوان «پیش‌نویس دانکل» تلفیق گردیدند. متن تلفیقی در برگیرنده پیشنهادی راجع به منشور یک سازمان چندجانبه تجاری بود. به تدریج طی یکی دو سال بعد کشورها توانستند پیش‌نویس دانکل را مورد بررسی و تأمل قرار دهند که این به پذیرش عمومی بیشتر متون پیشنهادی منجر گردید. در برخی زمینه‌های کلیدی (بویژه در زمینه کشاورزی) مذاکرات به‌سختی ادامه یافت.

66. John H. Jackson, *Restructuring the GATT System* (London: Royal Institute of International Affairs, 1990).

کنگره ایالات متحده شیوه «مذاکره سریع» را که برای اجرای نهایی نتایج دور اروگوئه ضروری بود، تمدید کرد. این شیوه اتمام کل مذاکرات تا اواسط دسامبر ۱۹۹۳ را ضروری می‌دانست. در طی چهار تا پنج ماه قبل از تاریخ مزبور مذاکرات شدت یافت و مذاکره‌کنندگان مجدداً توجه خود را به پیشنهاد تأسیس سازمانی جدید معطوف نمودند. ایالات متحده در آن ایام مایل نبود که در مورد پذیرش سازمان جدید اظهار نظر کند. اما فقط بعد از این که برخی اصلاحات بر متن وارد شد، در نهایت توافقی در این خصوص حاصل گردید. هدف بیشتر این اصلاحات محدود کردن اختیار تصمیم‌گیری سازمان جدید و حمایت از مواضع برخی از کشورهای قدرتمند مذاکره‌کننده بود که حاضر نبودند خود را به سیستم رأی‌گیری اکثریت ساده در مورد موضوع‌های اساسی نظیر آنهایی که حقوق و تکالیف طرفهای متعاقد را تحت تأثیر قرار می‌دادند، مقید کنند. توافقی که در نهایت در سال ۱۹۹۳ حاصل شد شامل پیش‌نویس منشور (و انواع دیگر موافقتنامه‌ها) برای یک سازمان تجارت جهانی بود که بعداً موجودیت یافت. این پیش‌نویس در تاریخ ۱۵ آوریل ۱۹۹۵ در نشست وزیران در مراکش به امضا رسید و متعاقب آن کشورهای گوناگون و سرزمینهای گمرکی مستقل از آیین پارلمانی و حقوق اساسی خود به منظور پذیرش موافقتنامه‌ها پیروی نمودند.

همانطوری که ذکر شد، بیانیه اصلی صادره در پونتادله بسیار بلند پروازانه بود. غالب صاحب‌نظران - از جمله اینجانب - در مورد میزان دستیابی به برنامه مزبور در دسامبر ۱۹۹۳ متعجب شدند. حتی اگر نصف آن برنامه هم به اجرا در می‌آمد، مفصلترین مذاکرات در طول تاریخ بوده است.

ویژگیها و ساختار حقوقی سازمان جدید

موافقتنامه‌های دور اروگوئه بطوری که در سند نهایی درج شده است با «موافقتنامه راجع به تأسیس سازمان تجارت جهانی» آغاز می‌شود. موافقتنامه اخیر در سرتاسر این نوشته به‌عنوان منشور سازمان تجارت جهانی مورد خطاب قرار خواهد گرفت، اگرچه این واژه در عنوان موافقتنامه بکار نرفته است. در حقیقت موافقتنامه مزبور «فصل اول» مجموعه عظیمی از موافقتنامه‌های دور اروگوئه را تشکیل می‌دهد. بخش زیادی از «موافقتنامه‌های دور اروگوئه» عنوان «موافقتنامه» دارند اما این‌ها موافقتنامه‌هایی مستقل و مجزا نبوده و در اینجا گاهگاهی تحت عنوان «اسناد» ویژه مانند «سند مربوط به ضد دامپینگ» مورد خطاب قرار گرفته‌اند، اگرچه به‌طور رسمی در عنوان آنها واژه «موافقتنامه» بکار نرفته است.

چندین ویژگی بسیار مهم نتایج مذاکرات دور اروگوئه را باید مورد تأکید قرار داد. شاید مهمترین ویژگی اعتقاد بر «مجموعه واحد» بودن کل موافقتنامه‌هاست که مذاکره‌کنندگان از سالها قبل آن را پذیرفته و عزم کرده بودند که این یکی از جنبه‌های مهم مذاکرات باشد. مطابق این نظر سندی کامل و مفصل تهیه می‌گردید و کشورهایی که مایل به عضویت در ساختار جدید از طریق قبولی یا الحاق بودند باید سند مزبور را به‌صورت مجموعه واحدی پذیرا می‌شدند. این شیوه کاملاً مخالف شیوه‌ای بود که برای نتایج دور توکیو بکار گرفته شده بود. نتایج دور توکیو مشتمل بود بر موافقتنامه‌های منفردی که کشورها در پیوستن به آنها مختار بودند.

ویژگی دیگر دور اروگوئه که اهمیت به‌سزایی داشت این بود که سند نهایی دور اروگوئه به‌عنوان یک موافقتنامه جدید و نه سندی که

موافقتنامه‌های قبلی نظیر خود گات را اصلاح می‌نمود، موجودیت می‌یافت. مطابق این ساختار حقوقی بینادین، «موافقتنامه دور اروگوئه» موافقتنامه جدیدی است که یک سازمان بین‌المللی جدید (یعنی WTO) را تأسیس می‌کند و متن موافقتنامه گات و موافقتنامه‌های منضم بدان را شامل می‌گردد. از این رو، پیروی از مکانیزم اصلاح مندرج در موافقتنامه گات ضرورتی نداشت و در نتیجه این شیوه تضمین می‌نمود که موافقتنامه جدید - با توجه به این که هیچ‌گونه تعداد حداقل لازم برای لازم‌الاجرا شدن آن معین نشده بود - به‌اجرا درآید، اگرچه نوعی تفاهم وجود داشت که بر مبنای آن تصویب تعداد زیادی از کشورهای بویژه کشورهای مهم در قلمرو تجارت بین‌المللی لازم می‌بود.

ساختار حقوقی موافقتنامه دور اروگوئه

برای درک ساختار حقوقی موافقتنامه دور اروگوئه شاید بهترین شیوه مراجعه به فهرست مطالب موافقتنامه مزبور باشد. شایان ذکر است که موافقتنامه مؤسس سازمان تجارت جهانی مانند چتری همه اجزای اسناد مفصل موافقتنامه‌های دور اروگوئه (که از لحاظ حقوقی شامل کلیه ۲۵ هزار صفحه از جداول تعرفه‌ای نیز می‌باشد) را دربر می‌گیرد. منشور سازمان تجارت جهانی فقط ده صفحه از اسناد مذاکره شده در دور اروگوئه را به خود اختصاص داده است اما دارای ۴ ضمیمه بسیار مهم می‌باشد که حاوی کلیه اسناد مورد توافق می‌باشند. ضمیمه شماره ۱ شامل «موافقتنامه‌های چندجانبه‌ای» است که الزام‌آور [اجباری] می‌باشد [یعنی همه اعضا باید آن را قبول کنند]. ضمیمه شماره ۱ خود سه قسمت دارد که با سه دسته از موافقتنامه‌های اساسی مطابقت دارد، یعنی کالاها (موافقتنامه گات ۱۹۹۴ و

موافقتنامه مرتبط به آن و سایر اسناد؛ خدمات (موافقتنامه راجع به تجارت خدمات و ضمایم آن)؛ و جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی. کلیه اعضا همچنین ملزم هستند که ضمیمه شماره ۲ (تفاهم‌نامه حل و فصل اختلافات) و ضمیمه شماره ۳ (مکانیزم بررسی خط و مشی تجاری) را نیز قبول کنند.

ضمیمه شماره ۴ بیانگر عدول هر چند جزئی از عقیده «مجموعه واحد» است [که در صفحه قبل بدان اشاره شد]. این ضمیمه حاوی «موافقتنامه‌های میان چند طرف» می‌باشد که اختیاری می‌باشند. چهار نمونه از این موافقتنامه‌ها در فهرست این ضمیمه قرار دارند. دو تای آنها مربوط به موضوعات کشاورزی هستند که چندان هم مهم نیستند و دو موافقتنامه دیگر مربوط به هواپیمایی کشوری و خرید دولتی هستند که ممکن است آنها را بیشتر جالب توجه کشورهای صنعتی و نه کشورهای در حال توسعه دانست (اگرچه این مطلب می‌تواند بحث انگیز باشد).

اسناد فوق بویژه آنهایی که در ضمیمه شماره ۱- الف قرار دارند شامل تعداد زیادی از تصمیمات و بیانیه‌های صادره توسط کنفرانس وزیران می‌باشند که باید هنگام تفسیر موافقتنامه‌ها مد نظر باشند (همچنین سایر اجزاء مرتبط با تفسیر نظیر آنچه در ضمیمه شماره ۱ گات تحت‌عنوان «یادداشت‌های تفسیری» گنجانیده شده‌اند باید مورد توجه قرار گیرند).

وابستگی متقابل اقتصادی بین‌المللی کنونی را می‌توان به میزان قابل توجهی به موفقیت نهادها یا سازمانهایی که بعد از جنگ جهانی دوم به‌عنوان بخشی از سیستم برتن وودز تشکیل شدند و شامل صندوق بین‌المللی پول، بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه [بانک جهانی] و گات می‌شود، نسبت داد. سازمان گات بویژه برای بیشتر از چهار دهه نیروی

عمده در کاهش چشمگیر محدودیت‌های تعرفه‌ای مرتبط با تجارت کالاهای صنعتی حداقل در بین کشورهای صنعتی دموکراتیک متمایل به اقتصاد بازار آزاد، بوده است، و با پایان موفقیت‌آمیز دور اروگوئه، امضای گات ۱۹۹۴ و تأسیس سازمان تجارت جهانی، اثرگذاری نظام گات بر تجارت خدمات، دارایی معنوی و سایر موضوعات که قبلاً در خارج از صلاحیت آن بود، گسترش یافته است.

ماحصل کار این شد که سازمان بین‌المللی جامع بنام سازمان تجارت جهانی به طریق قانونی ایجاد شود. منشور این سازمان با اعلام موجودیت سازمان آغاز می‌شود و سپس نکات برجسته مرتبط با ایجاد آن را بیان می‌کند که عبارتند از تشریح وظایف و ساختار؛ مقررات راجع به بالاترین مقام سازمان به صورت کنفرانس وزیران که حداقل هر دو سال یکبار باید تشکیل جلسه دهد؛ مقررات راجع به دبیرخانه، دبیرکل و تعدادی ارگان فرعی که مشتمل بر ۴ شورا است. این جنبه‌ها متعاقباً تشریح خواهند شد.

معاهده جدید در سال ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا گردید. مشکلات و ابهامات ناشی از اجرای موقت گات که از تاریخ تأسیس از آن لطمه بسیار خورد، دیگر موضوعیت نخواهد داشت. گات سابق به‌عنوان یک سازمان بطور موازی برای مدت یکسال دیگر ادامه حیات داد (این سازمان در پایان سال ۱۹۹۵ موجودیتش خاتمه یافت در حالی که WTO در آغاز سال ۱۹۹۵ موجودیت پیدا کرد). اکنون گات ۱۹۴۷ وجود خارجی ندارد اگرچه ممکن است مطابق برخی ترتیبات قانونی دو جانبه، «بطور عملی یا غیررسمی» همچنان قابلیت اجرا داشته باشد. بنابراین گات به‌عنوان یک نهاد بین‌المللی پایان یافته است. در عین حال تعهدات ماهوی (و برخی از تعهدات شکلی) به‌عنوان بخشی از سند گات ۱۹۹۴ مندرج در ضمیمه شماره ۱-الف

موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی، به حیات خود ادامه می‌دهند. از آنجایی که دیگر پروتکل اجرای موقتی در کار نیست دیگر از استثنائات مربوط به «حقوق نیاکان» یا «قوانین موجود» نیز خبری نیست. با این وجود حداقل در یک مورد شروط مربوط به «حقوق نیاکان» قبلی در یکی از متون اسناد دور اروگوئه وارد شده است (رجوع شود به بند ۳ ملاحظات مقدماتی گات ۱۹۹۴). سند مزبور حق به اصطلاح مربوط به «حقوق نیاکان» (که ایالات متحده اعمال می‌کرد) را اکنون با عبارات کلی‌تری بیان نموده است و بطور مشخص به قصد منتفع ساختن ایالات متحده درج شده است. این حق به وضعیت کشتیهای تجاری که بین آبهای ملی فعال هستند، مربوط است. این تنها حق به اصطلاح مربوط به «حقوق نیاکان» است که بطور صریح به موافقتنامه‌های جدید دور اروگوئه انتقال داده شده است. بنابراین، موضوع «حقوق نیاکان» خوشبختانه برای مقاصد کلی دیگر منتفی است.

در عین حال، نباید انتظار داشت که موافقتنامه‌های دور اروگوئه کاملاً خالی از اشکال باشند. تعدادی از اسناد فرعی به هم ارتباط داده شده‌اند و این روابط غالباً بطور دقیق روشن نمی‌باشند. دستیابی به سازش در مذاکرات مستلزم ورود یا حداقل پذیرش عبارات مبهم در جایگاه‌های مختلف [متن توافقنامه] است. صرف پیچیدگی موافقتنامه‌ها متضمن بروز مشکلات گوناگون در تفسیر خواهد بود. با این وجود، متخصصان سیاست تجاری بطور کلی موافقت دارند که دور اروگوئه قدم مهم و قابل توجهی در [تثبیت] سیستم تجارت جهانی می‌باشد.

۴. تعهدات گات و جایگاه قانونی آنها

قواعد کدامند؟

کاهش هزینه‌های حمل و نقل و ارتباطات نقش گسترده‌ای در افزایش سطح تجارت و وابستگی متقابل طی سالهای بعد از جنگ [جهانی دوم]، ایفا نموده است. با کاهش تعرفه‌ها به سطح بسیار ناچیزی در کشورهای در حال توسعه، سایر موانع و پیچیدگیهای فرا روی تجارت بطور نسبی اهمیت پیدا کرده‌اند. موانع غیر تعرفه‌ای کم نیستند و قدرت ابتکار و خلاقیت انسان برای ابداع موانع جدید تضمین خواهند نمود که مشکل موانع تجاری هرگز از بین نخواهد رفت. بدین خاطر است که یکی از مهمترین مشکلاتی که جهان امروز با آن مواجه است مشکل ساختاری است. مسأله این است که آیا نهادهای ملی و بین‌المللی دولتی (نظیر گات یا سازمان تجارت جهانی) توانایی پاسخگویی به چالشهای ناشی از رفتار دولتها و اشخاص خصوصی که ممکن است سیستم تجارت جهانی را - و رفاهی که از آن ناشی می‌شود - تخریب نماید، دارند؟

آنچه در این جا بطور ویژه مورد توجه ما و حقوقدانان فعال در عرصه تجارت بین‌الملل است، اهمیت فزاینده قوانین علیه عملکرد غیرعادلانه تجاری می‌باشد. براساس برخی استانداردهای معقول، تجارت در مواقعی می‌تواند واقعاً «غیرعادلانه» باشد اما در مواقع دیگر، این تردید بوجود می‌آید که رویه یا عملکرد تجاری فقط از دیدگاه صاحبان صنایع در حال رقابت با واردات خارجی - که مایل به جلوگیری از واردات رقبای خارجی هستند - غیرعادلانه عنوان می‌شوند. به علاوه، تعداد فزاینده‌ای از موقعیت‌ها وجود دارند که در برگیرنده مناقشات میان مواضع معارض سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در بین ملتها می‌باشند. بنابراین، اختلاف نظر در مورد این که چه

امری «غیر عادلانه» است غالباً به اختلاف نظر اساسی و عمیق در خصوص نقش مناسب دولت در اقتصاد، برمی‌گردد.

موارد دیگری از مسائل مهم و غامض در روابط اقتصادی بین‌المللی وجود دارند. در این موارد، امور پولی جایگاه محوری و اساسی دارند. با تغییرات عمده در سیستم برتن وودز جهان تزلزل قابل ملاحظه‌ای را در نرخ تبدیل ارز تجربه نموده است. هنگامی که نرخ ارز به میزان ۲۰٪ یا ۳۰٪ در یک دوره یکساله تغییر می‌کند، تأثیر آن بر تجارت می‌تواند آثار ابزارهای سنتی سیاست تجاری مانند تعرفه و سهمیه‌بندی را به شدت تحت الشعاع قرار دهد. موضوعات تکمیلی اعم از تجارت خدمات، خط مشی رقابت تجاری، حفظ محیط زیست و دارایی معنوی به‌طور فزاینده‌ای در روابط میان کشورها اهمیت یافته‌اند.

اگرچه گات به‌عنوان یک سازمان یا حتی یک سازمان غیر رسمی دیگر وجود ندارد، تکالیف ماهوی گات و اسناد و مقررات فرعی بی‌شمار آن همچنان بخش اصلی قواعد سیستم تجارت جهانی را تشکیل می‌دهند. در حقیقت، موضوعات جدید مثل تجارت خدمات یا دارایی معنوی بطور وسیعی برخی از مفاهیم اساسی گات را به‌عاریت گرفته‌اند (بویژه مفهوم رفتار ملی و رفتار ملتهای کامل‌الوداد). بخش حاضر این قواعد گات راجع به تجارت کالا را مورد بررسی قرار خواهد داد. این امر هدف دوگانه‌ای را دنبال می‌کند.

اولاً، بطور خیلی کلی تکالیف معاهداتی گات معرفی خواهند شد. شایان ذکر است که تکالیف مزبور - با توجه به سوابقی که قبلاً تشریح گردید - مطابق حقوق بین‌الملل و به دلیل پروتکل اجرای موقت لازم‌الاجرا

بوده‌اند، اما امروزه این تکالیف جزئی از ضمیمه شماره ۱ موافقتنامه راجع به تأسیس سازمان تجارت جهانی می‌باشند.

ثانیاً، این بخش مسائل مهم متعدد حقوقی و خط‌مشی [تجارتی] که همه اصول و مقررات گات را تحت الشعاع قرار می‌دهند، مورد بررسی قرار می‌دهد. مثلاً برخی مسائل مربوط به این امر که «کدام تکالیف گات بر کدام یک از کشورها مجری است» مورد سنجش قرار می‌گیرند. همچنین در اینجا این سؤال مورد بررسی قرار خواهد گرفت که «در درون یک کشور بویژه در خصوص نهادهای فرعی یک دولت در نظام فدرالی تکالیف گات بر چه کسانی اعمال می‌گردد»؟

مسأله مهم [دیگری] که مسائل متعدد دیگر گات و سازمان تجارت جهانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، آیین و فن تفسیر گات می‌باشد. این موضوع و برخی مسائل حقوقی کلیدی نظیر موضوع «اجرای خود بخود» یا اثرات «مستقیم» حقوق گات، بطور دقیق با مسائل حقوق داخلی مرتبط هستند و بطور کلی با بحث حل و فصل اختلافات و مشکلات مربوط به اجرای قواعد گات ارتباط دارند که در اینجا بحث نشده است، ولی بطور مختصر به آنها اشاره خواهد شد.

تکالیف گات و مقررات رفتاری

تکالیف محوری گات به «امتیازات» تعرفه‌ای مربوط می‌باشند که از این طریق طرفهای متعاقد (مطابق ماده ۲ و جداول تعرفه‌ای) خود را متعهد می‌کنند که میزان تعرفه اعمال شده به کالاهای وارده از طرفهای متعاقد گات را محدود نمایند. این تکالیف دلیل اصلی برای انعقاد موافقتنامه بود و به احتمال قوی عادلانه خواهد بود چنانکه گفته شود این تکالیف مؤثرترین

تکالیف در نظام گات بوده‌اند. از طریق چندین نشست مذاکراتی راجع به کاهش تعرفه در گات، میانگین کل تعرفه کشورهای صنعتی بر کالاهای صنعتی بطور قابل توجهی در طی تاریخچه گات کاهش یافته است و امروز تقریباً در حدود ۳/۹ درصد یا کمتر می‌باشد.^{۶۷} تعداد زیادی از ناظران معتقدند که تعرفه در چنین سطح پایینی مانع چندانی برای واردات نمی‌باشد. این تعرفه پایین بیشتر به صورت نوعی مالیات اندک بر فروش کالا به‌شمار می‌رود که اغلب تولید کنندگان در خارج به‌طور مؤثر می‌توانند با افزایش تولیدات و کاهش هزینه‌هایشان از آن عبور کنند.^{۶۸}

دومین و همچنین از دیگر تکالیف محوری نظام گات قاعده رفتار ملتهای کامل‌الوداد است که در این بخش مورد بحث قرار نخواهد گرفت، اگرچه اشاره‌ای به آن شده است. لازم به یادآوری است که این تکالیف تشکیل دهنده بخش ۱ گات می‌باشند که اصلاح آنها نیاز به اتفاق آرا دارد [یا داشت]^{۶۹} و مقید به شرط «قوانین موجود» مندرج در پروتکل اجرای موقت نمی‌باشند [یا نبودند].^{۷۰}

بخش دوم گات یعنی از مواد ۳ تا ۱۷ در برگیرنده بیشتر تکالیف ماهوی در نظام گات می‌باشند و می‌توان آنها را به‌عنوان مقررات حاکم بر رفتار دولتها در تنظیم تجارت بین‌الملل قلمداد نمود. شایان ذکر است که این تکالیف (و همچنین تکلیف مربوط به رفتار ملتهای کامل‌الوداد) صرف

67. OECD, The New World Trading System, table 1, 47.

68. United States International Economic Policy in an Interdependent World, Report to the President Submitted by the Commission on International Trade and Investment Policy (Washington DC: U.S. Government Printing Office, 1971), vol. 1, 627.

69. GATT Article XXX.

70. On the basis of the Protocol of Provisional Application to the General Agreement on Tariffs and Trade, 30 October 1947, 61 Stat. pts. 5, 6, TIAS No. 1700, 55 UNTS 308. See generally Jackson, supra note 2, section 1.

نظر از این که آیا کالایی در جداول امتیازات تعرفه‌ای درج شده یا نشده باشد، درخصوص همه کالاها اعمال می‌گردند. این مقررات بر همه کالاها چه وارداتی و چه صادراتی مجری می‌باشند، اگرچه بیشتر قواعد فقط نسبت به واردات موضوعیت پیدا می‌کنند. این تکالیف بطور کلی موارد ذیل را دربر می‌گیرند:

- I. رفتار ملی (ماده ۳).
- II. ضد دامپینگ و تکالیف مربوط به اقدامات جبرانی (ماده ۶).
- III. ارزش‌گذاری کالا به منظور مقاصد گمرکی (ماده ۷).
- IV. تشریفات اداره گمرکی (مواد ۸ و ۱۰).
- V. علایم مبدأ (ماده ۹).
- VI. محدودیت‌های کمی (ماده ۱۱).
- VII. یارانه‌ها (ماده ۱۶).
- VIII. انحصارات تجاری دولتی (ماده ۱۷).

از لحاظ سیاست تجاری سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا [اصولاً] ضابطه‌مند نمودن کلی رفتار تجاری مفید است؟ یک راهکار می‌تواند این باشد که مقررات فقط بر فهرست کالاهایی که راجع به آنها توافق شده است، اعمال شوند (مانند جداول تعرفه‌ای). دیدگاه دیگری که از راهکار اخیر نشأت می‌گیرد، مفهوم رفتار متقابل را بکار می‌برد بطوری که یک قاعده بر کالای معینی از یک طرف متعاهد هنگامی اعمال می‌شود که طرف دیگر آن قاعده را بر واردات همان کالا اعمال نماید. این تنوع و گوناگونی بطور آشکار بر پیچیدگی و در نتیجه بر آشفتگی هرچه بیشتر

آن افزوده و (به احتمال زیاد) پیش‌بینی تبعیت از مقررات مزبور را دشوار می‌سازد. در برخی از عرصه‌های جدید (بویژه تجارت خدمات و همچنین در مورد مسأله خرید دولتی و اقدامات دیگر)، اسناد دور آروگوئه در برگیرنده برخی از این راهکارها و [در نتیجه] پیچیدگی هر چه بیشتری می‌باشند.

در واقع، به لحاظ اقدامات یا ترتیبات حقوقی و بعضاً غیرحقوقی اعمال شده بر کالاهای گوناگون، اجرای مقررات گات بطور اساسی متفاوت می‌باشد. مطابق قواعد گات [۱۹۴۷] راجع به اصلاح آن، یک طرف متعاقد [عضو گات] که اصلاحیه‌ای را نپذیرفته بود، به آن متعهد نبود (حتی اگر بیشتر از دو سوم طرفهای متعاقد آن اصلاحیه را قبول کرده بودند).^{۷۱}

مطابق آیین اصلاح در سازمان تجارت جهانی، قاعده مزبور با برخی از اصلاحات اضافی ادامه حیات داده است. به علاوه تلاش شده است تا میان اصلاحاتی که «حقوق و تکالیف» اعضا را جرح و تعدیل می‌کنند و سایر اصلاحات که بیشتر جنبه «شکلی» دارند، تمایز قایل شوند. حقوق به اصطلاح «تیاکان» که موجب ایجاد انواع استثنائات در گات ۱۹۴۷ شده بود، دیگر از بین رفته است اما همچنان احتمال استثنای ناشی از حق اعطای معافیت مطابق مقررات دیگر گات پابرجاست. مقررات ماده ۱۶ راجع به تکالیف مربوط به یارانه‌ها - با توجه به این که مطابق موافقتنامه اصلی گات ۱۹۴۷ فقط تعداد اندکی از طرفهای متعاقد ملزم به بخشی از آن ماده بودند - سابقه غیرعادی داشته است. مقررات راجع به یارانه‌ها - مصوب در دور توکیو - قواعد ناظر بر موضوع یارانه‌ها را برای کشورهای که مقررات مزبور را پذیرفتند، تغییر داد. البته اکنون براساس دکترین «مجموعه واحد»

71. GATT Article XXX.

همه اعضای سازمان تجارت جهانی به موافقتنامه جدید مصوب دور اروگوئه در خصوص یارانه‌ها ملزم می‌باشند، و به نظر می‌رسد که موافقتنامه جدید به میزان قابل توجهی مقرر ماده ۱۶ گات سابق را نسخ کرده باشد. همچنین لازم به تأکید است که موافقتنامه گات حاوی یک رشته «یادداشت‌های تفسیری» است که در ضمیمه شماره ۸ (بند آی) گنجانده شده‌اند. این یادداشتها وضعیت [حقوقی] مشابهی با متن معاهده دارند و باید در ارتباط با مواد خاصی که با آنها مرتبط می‌باشند، مورد مطالعه قرار گیرند. در کنار اینها اسناد دور اروگوئه، همچنین حاوی یک رشته از تفاهم نامه، تصمیمات وزیران و بیانیه‌هایی است که ممکن است یک یا چند مورد از تکالیف گات (یا سایر اسناد) را تحت تأثیر قرار دهند، بنابراین همواره باید در جایگاه خودشان مورد توجه باشند. همانطور که اشاره شد، مقررات مندرج در موافقتنامه‌های مستقل دور توکیو در موافقتنامه‌های دور اروگوئه وارد نشدند، بنابراین فقط کشورهایی که آنها را پذیرفته بودند، به آنها التزام داشتند. بعد از دور اروگوئه، کلیه موافقتنامه‌های دور توکیو (بعد از اعمال اصلاحات در مذاکرات دور اروگوئه) در ضمیمه شماره یک که برای همه اعضای سازمان تجارت جهانی الزام‌آور است، گنجانده شده‌اند. بنابراین روی هم رفته می‌توان اظهار داشت که دور اروگوئه درجه بالاتری از هماهنگی و انسجام درونی را در خصوص تکالیف گوناگون گات ایجاد نموده است.

در عین حال تمایز غیر حقوقی در عمل ممکن خواهد بود چنانچه از قواعد حقوقی گات بطور یکسان پیروی نشود. این موضوع باید در جای دیگر بررسی شود اما [لازم به ذکر است که] در نظام گات این مطلب کاملاً شناخته شده است که تعداد زیادی از کشورها به «مالیاتهای تعرفه‌ای

اضافی مرتبط با تراز پرداختها» - که از لحاظ فن حقوقی با قواعد گات مغایرت داشت - توسل می‌جستند. همچنین گسترش انواع گوناگون «محدودیت‌های صادراتی داوطلبانه» طی دو دهه گذشته غالباً در برگیرنده نقض تکالیف گات و همچنین در مغایرت با سیاستهای اساسی آن بوده است. محدودیتها و موانع فوق‌سؤالات فلسفی جالبی را در مورد حقوق بین‌الملل عنوان می‌کنند، اما باید تأکید نمود که متن موافقتنامه مصوب دور اروگوئه در مورد «حفاظتها» با قصد ممنوعیت بیشتر ترتیبات مرتبط با محدودیت‌های صادراتی داوطلبانه طراحی شده است.^{۷۲}

بر چه کسانی تکالیف گات اعمال می‌شود؟ بنگاههای خصوصی و واحدهای فرعی دولت

متن موافقتنامه گات بطور معقولی روشن می‌سازد که موافقتنامه مزبور فقط بر چگونگی رفتار با «کالاها» [یا محصولات] (و نه برای مثال، خدمات که موضوع موافقتنامه مجزای دیگر دور اروگوئه یعنی ضمیمه شماره ۱ - ب موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی^{۷۳} است) اعمال می‌گردد. همچنین بطور معقولی آشکار است که موافقتنامه فقط بر اقدامات دولتها و نه شرکتها یا اشخاص خصوصی قابل اعمال می‌باشد. گرایش نوین در حقوق بین‌الملل این است که امکان اعمال معاهدات یا حقوق بین‌الملل عرفی بر اشخاص، دولتها و سازمانهای بین‌المللی را پذیرا می‌شود. دیگر

72. See Emst-Ulrich Petersmann, "Grey Area Measures and the Rule of Law", Journal of World Trade Law 22/2 (1988), 23.

73. Gary Sampson and Richard H. Snape, "Identifying the Issues in Trade in Services", World Economy 8 (1985), 171; Robert Stem and Bernard Hoekman, "Issues and Data Needs for GATT Negotiations on Services", World Economy 10 (1987), 39.

مشکل فلسفی [یا نظری] در مقابل چنین تحولاتی وجود ندارد.^{۷۴} در عین حال، متن موافقتنامه‌های گات تقریباً همگی طوری نگارش شده‌اند که فقط بر دولت‌ها قابل اعمال هستند. یکی از نتایج این وضعیت این است که موافقتنامه گات (برخلاف منشور سازمان تجارت بین‌المللی، ITO) مطلب بسیار اندکی در خصوص عملکرد انحصار طلبانه شرکت‌های خصوصی را در بر دارد، اگرچه چنین عملکردی می‌تواند بطور جدی سیاست‌های اساسی را که گات بر آنها استوار شده است، تخریب نماید. این عملکردها توجه بسیار زیاد کسانی که وضع نوعی ضوابط یا مقررات شبیه به گات برای شرکت‌های مزبور را ضروری می‌دانند، به خود جلب کرده است.

صرف نظر از این که لحن معاهده به نحوی است که بر دولت‌ها اعمال می‌گردد یا خیر، در برخی نظام‌های حقوقی [ملی] ممکن است [معاهده مزبور] دارای آثار به اصطلاح «مستقیم» باشد.^{۷۵} در ایالات متحده آمریکا این مقوله به عنوان «اثر اجرای خودبخود» شناخته می‌شود که بر اساس آن به طرف‌های خصوصی اجازه داده می‌شود که در دعاوی خصوصی در دادگاه‌های داخلی تحت شرایط خاصی به متن معاهده استناد کنند.^{۷۶}

سؤال دیگر این است که چه اندازه از مقررات گات بر واحدهای فرعی دولت‌های عضو متعهد اعمال می‌گردد؟ این واحدها ممکن است شامل

74. See Wolfgang Friedmann, *The Changing Structure of International Law* (New York: Columbia University Press, 1964), chapter 4; Ian Brownlie, *Principles of Public International Law* (Oxford: Clarendon Press, 4th ed., 1990), section 2.4 and chapter 24; Louis Henkin et al., *International Law* (St. Paul: West, 3d ed., 1993), section 5.6.

75. Francis G. Jacobs (ed.), *The Effect of Treaties on National Legislation* (London: Sweet and Maxwell/KCCCL, 1987); John H. Jackson, "Status of Treaties in Domestic Legal Systems: A Policy Analysis", *The American Journal of International Law* 86 No. 2 (1992), 310-340.

76. See generally John H. Jackson, "The General Agreement on Tariffs and Trade in United States Domestic Law", *Michigan Law Review* 66 (1967), 249.

ایالت در سیستم فدرالی (مانند کالیفرنیا در ایالات متحده آمریکا) یا استان یا واحدهای منطقه‌ای گوناگون باشد. موافقتنامه گات در این خصوص بطور کامل روشن نیست، اما مطابق ماده ۲۴ (بند ۱۲) «کشورهای متعاقد» ملزم می‌باشند که «به منظور تضمین رعایت مقررات موافقتنامه اقدامات مناسب که در توان آنها می‌باشد را انجام دهند». در ایالات متحده آمریکا این مقررہ توسط دادگاهها بدین معنی تفسیر شده است که مقررات گات بطور مستقیم بر واحدهای فرعی این دولت قابلیت اعمال دارند.^{۷۷} یکی از موافقتنامه‌های دور اروگوئه (که بخشی از ضمیمه الزام آور شماره ۱ می‌باشد) به ماده ۲۴ (بند ۱۲) اشاره می‌نماید و تصریح می‌دارد که «هر عضو گات ۱۹۹۴ بطور کامل مسؤول می‌باشد که اقدامات مناسب که در اختیار آن است را به منظور تضمین رعایت مقررات این موافقتنامه توسط ایالات، دولتهای محلی و منطقه‌ای در درون سرزمینش، به اجرا در آورد». این مقررہ ابهامات موضوع مورد بحث را بطور کامل از بین نمی‌برد و همچنان این ابهام که تبعات چنان «مسئولیتی» چه خواهد بود باید در آینده روشن شود. برخی تصمیمات هیأت‌های حل و فصل اختلافات گات چنین بیان می‌دارند که حتی اگر یک دولت فدرال نتواند پیروی از مقررات گات یا تصحیح تناقضات حقوقی را به واحدهای تابع خود تحمیل نماید، دولت مزبور همچنان ممکن است مسؤول پاسخگویی به اعضای سازمان تجارت جهانی که شاکی هستند، باشد و به این اعضا ممکن است مجوز انجام «اقدامات جبرانی» اعطا شود.^{۷۸}

77. Jackson, supra note 76, 297-311. See also Jackson, Louis, and Matsushita, supra note 2, 142 et seq.

78. "Understanding on the Interpretation of Article XXIV of the General agreement on Tariffs and Trade 1994", 1995 Documents Supplement to Legal Problems of International Economic Relations, 3d ed., John H. Jackson, William Davey, and Alan Sykes.

استثنائات قانونی بر تعهدات در سازمان تجارت جهانی و گات

موافقتنامه گات [دور اروگوئه] بالقوه تعداد زیادی استثنا را بر مقرراتش پذیرفته است، برخی از این مقررات از طریق عبارات مندرج در خود منشور سازمان تجارت جهانی جرح و تعدیل یا نسخ شده‌اند. فهرست مختصری از این استثنائات به شرح ذیل است:

I. معافیت‌های مندرج در ماده ۲۵ گات.

II. استثنائات مرتبط با تراز پرداختها که اعمال محدودیتهای سهمیه‌ای را مجاز می‌شمارد (مواد ۱۲ تا ۱۵).

III. استثنائات مربوط به کشورهای در حال توسعه مندرج در ماده ۱۸ و همچنین بخش ۴ (مواد ۳۶ تا ۳۸).

IV. استثنای مهم مربوط به اتحادیه‌های گمرکی و مناطق آزاد تجاری مندرج در ماده ۲۶.

V. شرط معافیت مندرج در ماده ۱۹.

VI. استثنائات کلی مندرج در ماده ۲۰ که بر کلیه تعهدات گات حکم فرما هستند، اما خود به قیود رفتار ملی و شرط ملتهای کامله‌الوداد مشروط می‌باشند.

VII. استثنائات مربوط به امنیت ملی مندرج در ماده ۲۱.

VIII. [استثنائات] مربوط به آیین مذاکره مجدد در مورد امتیازات

تعارف‌ای مندرج در ماده ۲۸.

IX. مقررات «خروج اختیاری» ماده ۳۵.

مطابق موافقتنامه جدید تأسیس سازمان تجارت جهانی که اکنون به صورت چتری کل موافقتنامه‌های گات را در بر می‌گیرد، همواره روشن نیست که چه موقع مستثنیات گات اعمال می‌گردند و چه آیین شکلی برای این منظور لازم است. همچنین ارتباط موافقتنامه گات و استثنائات در برخی از سایر موافقتنامه‌ها و تفاهم‌نامه‌های مندرج در ضمیمه ۱- الف (برای مثال اسناد مربوط به ضد دامپینگ، یارانه‌ها و مجوزها) به روشنی مشخص نمی‌باشد. دیپلماتها و حقوقدانانی که در مذاکرات دور اروگوئه مشارکت داشتند، قادر نبودند که در مورد چگونگی روشن نمودن این ارتباطات به توافق برسند. بنابراین، ابهامات جدی در خصوص این مسائل وجود دارد. برای مثال، آیا استثنای مندرج در ماده ۲۱ مربوط به امنیت ملی و یا استثنائات کلی مندرج در ماده ۲۰ بر برخی از موافقتنامه‌های فرعی ضمیمه ۱- الف، مثل موافقتنامه راجع به حفاظت‌ها یا موافقتنامه راجع به موانع فنی یا سایر موافقتنامه‌های مذکور در بالا، اعمال می‌گردند؟

دو استثنای مندرج در فهرست بالا، آنقدر کلی هستند که ذکر نکاتی در خصوص آنها خالی از فایده نخواهد بود. یکی از این موارد مقررات «معاف کننده» مندرج در ماده ۲۵ و دیگری مقرره مربوط به «خروج اختیاری» مندرج در ماده ۳۵ می‌باشد. در هر دو مورد، ساختار موافقتنامه دور اروگوئه و چتری بودن موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی موجب پیچیدگی و ابهامات مضاعف شده‌اند. در اینجا بطور مختصر به مقررات مربوط به معافیت اشاره‌ای خواهد شد.

اعطای معافیت - که در ماده ۲۵ گات ۱۹۴۷ اعلام شده است - به «طرفهای متعاقد» اجازه می‌دهد که با اقدامی مشترک معافیت را به هریک از اعضا «در شرایط استثنایی که در هیچ جای دیگر موافقتنامه طرح نشده

است»، اعطا نمایند. میزان رأی لازم برای اعطای چنین معافیتی دو سوم آرای کشورهای حاضر شامل اکثریتی از همه طرفهای متعاقد بود. در عمل، عبارت «شرایط استثنایی» مانع چندانی در جهت اجرای ماده مزبور ایجاد نکرده بود.

زمانی چنین اظهار می‌شد که اعطای معافیت در خصوص بخش یک گات (یعنی مقررات مربوط به رفتار ملتهای کامله الوداد و امتیازات تعرفه‌ای) مناسب نمی‌بود زیرا که اصلاح مقررات آن بخش به اتفاق آرای «طرفهای متعاقد» نیاز داشت در حالی که اعطای معافیت با رأی کمتری میسر بود.⁷⁹ میزان مناسبی از رویه برای این که بتوان «تفسیر» گات [در عمل] خواند، صورت پذیرفته است که مبین پذیرش دیدگاه مخالف (یعنی امکان اعطای معافیت بدون اتفاق آرا) می‌باشد. از لحاظ آثار، برخی معافیت‌ها تقریباً برابر با اصلاحات بوده‌اند چرا که هیچ‌گونه محدودیت زمانی نداشته‌اند. در برخی موارد معافیت‌ها حقوق و تکالیف کشورهای متعاقد⁸⁰ را بطور اساسی تغییر داده‌اند و در سایر موارد حق معافیت از یک مقرره‌ای از گات به شرایطی منوط شده‌اند که اعمال تکالیف جدید بر کشورهای ذی ربط را موجب شده است.

در منشور سازمان تجارت جهانی، معافیت‌ها بطور صریح به‌عنوان بخشی از ماده ۹ که راجع به شیوه تصمیم‌گیری است، مورد اشاره قرار گرفته‌اند. بندهای ۳ و ۴ ماده ۹ به معافیت‌ها اختصاص دارد و آیین ویژه

79. GATT Doc. SR.7117 (1952); GATT, BISD 1st Supp. 86 (1953).

80. See for example, the 1955 US. agriculture waiver, Waiver to the United States Regarding the restrictions under the Agricultural Adjustment Act, GATT, BISD 3 Supp. BISD 32 (1955); and the 1971 waiver allowing developed countries to depart from MFN to the extent necessary to grant tariff preferences to developing countries, Generalized System of Preferences Waiver, Decision of 25 June 1971, GATT, BISD 18 Supp. 24 (1972).

جدیدی را حداقل درخصوص معافیت‌های مربوط به خود موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی پیش‌بینی می‌کنند. این مقررات از کنفرانس وزرا (یا شورای عمومی) می‌خواهد که مهلت زمانی «که نباید از ۹۰ روز تجاوز کند» قایل شود بطوری که اعضا بتوانند درخصوص یک معافیت به وفاق عام (Consensus) برسند. چنانچه وفاق عام حاصل نگردد، درخصوص اعطای معافیت توسط رأی سه چهارم اعضا (و نه فقط حاضرین) تصمیم گرفته خواهد شد. این شرط تقریباً دشواری است که چندان قابل حصول نمی‌باشد. در عین حال یک معافیت ممکن است از طریق وفاق عام اعطا گردد چنانچه بیشتر از یک چهارم اعضا با آن مخالفت نکرده باشند.

پاراگراف ب از بند ۳ ماده ۹ موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی به معافیتی در خصوص موافقتنامه‌های تجاری چند جانبه مندرج در ضمایم ۱- الف، ۱- ب، یا ۱- ج، (به ترتیب موافقتنامه گات ۱۹۹۴، موافقتنامه راجع به تجارت خدمات و دارایی معنوی) اشاره می‌کند. در این موارد درخواست معافیت ابتدا به شورای مربوطه (برای مثال، شورای تجارت کالا درخصوص موافقتنامه گات ۱۹۹۴) ارجاع می‌گردد. این پیشنهاد «طی دوره زمانی که از ۹۰ روز تجاوز نخواهد کرد» مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس در پایان این دوره، شورای مربوطه گزارشی را به کنفرانس وزیران ارائه خواهد نمود. از این رو بطور کامل روشن نیست که چگونه کنفرانس وزیران به گزارش مزبور رسیدگی خواهد نمود. برخی دیدگاهها بر این است که کنفرانس وزیران مطابق آیین کار خود به این موضوع رسیدگی می‌کند، یعنی این که چنانچه وفاق عام امکان‌پذیر نباشد درخواست معافیت مزبور به رأی سه چهارم اعضا [جهت تصویب] نیاز خواهد داشت. ضمیمه ۱- الف متن موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی شامل تعدادی

یادداشت توضیحی در قسمت مقدماتی آن است که تلاش دارد، برخی مشکلات تفسیری مرتبط با قرار دادن موافقتنامه گات در زیر مجموعه سازمان تجارت جهانی را برطرف کند. یادداشت توضیحی شماره ۲ (ب) بیان می‌دارد که ارجاع به تصمیمات «طرفهای متعاقد» ناشی از اقدام مشترک آنها در مقررات گوناگون به معنی ارجاع به سازمان تجارت جهانی خواهد بود. در فهرستی که بدین منظور تهیه شده است، به ماده ۲۵ اشاره‌ای نشده است اما عبارات همان بند بیان می‌دارد که «سایر وظایف ناشی از مقررات گات ۱۹۹۴ که به اقدامات مشترک «طرفهای متعاقد» اشاره دارد، به کنفرانس وزیران» محول خواهد شد.

منشور سازمان تجارت جهانی در بند ۳ ماده ۱۶ اعلام می‌دارد که در صورت تعارض بین مقررات موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی و مقررات موافقتنامه‌های تجاری چندجانبه (ضمیمه ۱) «مقررات موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی در خصوص آن تعارضات برتری خواهد داشت». بنابراین می‌توان اظهار داشت که مقررات موافقتنامه سازمان تجارت جهانی در مورد معافیتها جایگزین مقررات ماده ۲۵ گات شده است، و از این رو قاعده حاکم [در خصوص اعطای معافیت] لزوم وجود سه چهارم آرای اعضا می‌باشد. از سوی دیگر این قاعده راه را برای تصویب معافیتی از طریق وفاق عام و با اکثریت بسیار کمتری باز می‌کند. بنابراین ما شاهد تکامل ساختاری متون معاهداتی می‌باشیم، و در عین حال می‌توان ملاحظه نمود که تعدادی از مشکلات مربوط به تفسیر مطرح خواهد شد که باید توسط سازمان تجارت جهانی در سالهای شکل‌گیری آن مورد توجه و رسیدگی قرار گیرد.

از قلم افتادگیها و استثنائات بخشی [محصولی]

برخی موضوعات بطور عمدی از قلمرو موضوعی گات حذف شده‌اند. پیش از این ذکر شد که عبارات موافقتنامه گات [سابق] بر کالاها و نه خدمات اعمال می‌گردید (اگرچه امروزه موضوع تجارت خدمات در موافقتنامه مجزایی مورد رسیدگی قرار گرفته است).^{۸۱}

به علاوه، اگرچه پیش‌نویس منشور سازمان تجارت بین‌المللی (ITO) فصل کاملی را به عملکردهای «ضد رقابتی» اختصاص داده بود، موافقتنامه گات هیچ مقرره‌ای در این خصوص نداشت و تفاسیر بعدی گات این دیدگاه کشورهای متعاقد را استوار نموده است. براساس این دیدگاه توسل به گات به منظور کنترل عملکردهای ضد رقابتی نامناسب می‌باشد.^{۸۲} همچنین منشور سازمان تجارت جهانی هیچ مقرره کلی درخصوص عملکردهای ضد رقابتی را در بر ندارد، اگرچه عبارات خاصی هم در موافقتنامه راجع به خدمات و هم موافقتنامه راجع به دارایی معنوی در ارتباط با بعضی از جنبه‌های این موضوع یافت می‌شود.^{۸۳}

همچنین تعدادی «گریزگاه» در گات وجود دارد که بویژه به رویه‌هایی مربوط هستند که در هنگام تدوین پیش‌نویس گات مورد توجه

81. At their thirty-eighth session, the contracting parties agreed to examine the issue of services (GATT, BISD 29 Supp. 21 [1983]) and set up a procedure to examine the issue. A report on the matter was presented in 1985 (GATT, BISD 32 Supp. 70 [1986]). The matter was formally adopted by the contracting parties at Punta del Este. See GATT ministerial declaration, BISD 33 Supp. 19 (1987); GATT/1396, 25 September 1986, part 2, 11. See also John H. Jackson, *The Constitutional Structure for International Cooperation in Trade in Services and the Uruguay Round of GATT* (Washington, DC: Institute for International Economics, 1988).

82. Jackson, *supra* note 2, section 20.3. Section 8 of the Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights.

83. Section 8 of the Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights.

نبوده‌اند. این گریزگاهها در جهت فرار از تعهدات گات یا تخریب نکات اساسی سیاستهای کلی گات راجع به تشویق تجارت آزاد، مورد سوء استفاده دولتهای مختلف قرار گرفته‌اند. بکارگیری شیوه مالیات متغیر توسط جامعه اروپایی به‌عنوان نمونه‌ای از این گونه سوءاستفاده عنوان شده است. گفته شده است که این عملکرد [جامعه اروپایی] یک نوع تعرفه بندی بر کالاهایی است که در فهرست کالاهای الزام آور قرار ندارند [بنابراین] از لحاظ فن حقوقی با موافقتنامه گات مغایرتی ندارد، اما چنین تعرفه بندی یک نوع گریز از این دیدگاه است که اثرات حمایتی اقدامات گمرکی باید به‌نحوی محدود شوند که موجب ثبات و قابل پیش‌بینی نمودن سطح تعرفه‌ها گردند.⁸⁴

اگرچه موافقتنامه گات ظاهراً بر همه بخشهای تولیدی فعالیتهای اقتصادی (با برخی تمایزات بین کالاهای صنعتی و اولیه)⁸⁵ قابل اعمال می‌بود، عدم پیروی از مقررات گات موجب گردید برخی از محصولات در عمل از قلمرو این مقررات خارج شوند. مهمترین نمونه، بخش کشاورزی می‌باشد. امکان اجرای مؤثر قواعد گات بر تجارت محصولات کشاورزی به‌حدی ضعیف بوده است که برخی از نویسندگان یا دست‌اندرکاران حقوقی را به اشتباه انداخته است، به‌نحوی که این باور را پذیرفته‌اند که موافقتنامه گات قانوناً بر محصولات کشاورزی اعمال نمی‌گردد. یکی از دلایل این وضعیت تصویب قانونی توسط کنگره امریکا در اوایل سالهای تأسیس گات بود که اعمال محدودیتهای وارداتی برخی از محصولات

84. See Jackson, *supra* note 2, section 20.2, 520, 521.

85. See for example, GATT Article XVI.3 and Article 10 of the 1979 Subsidies Code (GATT, BISD 26 Supp. 56 [1980]).

کشاورزی را مجاز می‌ساخت. این قانون ناقض تعهدات گات بود.^{۸۶} در سال ۱۹۵۵ دولت امریکا به منظور الزامات این قانون از گات درخواست معافیت نمود و این معافیت به این کشور اعطا شد.^{۸۷} اعطای چنین معافیتی به شدت مورد انتقاد قرار گرفت و سایر دولت‌ها شروع به اقدامات مشابه به آنچه موضوع معافیت بود، نمودند، اگرچه آنها شرایط قانونی لازم برای استفاده از معافیت را دارا نبودند. این کشورها اظهار می‌داشتند که هرچه که برای دولت امریکا عادلانه باشد برای سایر دول هم عادلانه می‌باشد. یکی از اهداف مهم دور اروگوئه به نظم در آوردن تجارت محصولات کشاورزی بود و این موضوع یکی از مشکلات این دور مذاکراتی بود. موافقتنامه ماحصل این مذاکرات به نظر می‌رسد که برای ایجاد نظم مزبور گام اولیه مهمی را برداشته است، اگرچه برخی پیشنهاد نموده‌اند که این اقدام بسیار ناچیز است.

بخش دیگر فعالیتهای اقتصادی که در گات با مشکلات مواجه بوده منسوجات و پوشاک می‌باشد. از سال ۱۹۶۱ تجارت جهانی منسوجات اساساً به دلیل یک رشته از موافقتنامه‌های «جانبی» که رژیم خاص محدودیت سهمیه‌ای را در خصوص تجارت این کالاها ایجاد می‌کردند، از نظام گات خارج شده بود.^{۸۸} اصلاح رژیم مشکل ساز منسوجات هدف مهم دیگری در مذاکرات دور اروگوئه بود و به نظر می‌رسد که به رغم وجود یک رژیم

86. Jackson, supra note 2, section 27.6.

87. See U.S. waiver request regarding the restrictions under the Agricultural Adjustment Act, supra note 80.

88. The multifiber arrangement (MFA), signed originally in 1973 (25 UST 1001, TIAS 7840), was extended on 31 July 1986, for five more years. See Henry Zheng, Legal Structure of International Textile Trade (New York: Quorum Books, 1988). See also symposium "perspectives on Textiles", Law and Policy in International Business 19 (1987), 1-271.

زمانبندی شده نسبتاً طولانی برای اجرا (یا به عبارت دقیق تر رژیم زمانبندی شده جهت پایان بخشیدن به رژیم قبلی منسوجات) - که در نهایت تحت نظام کلی گات درخواهد آمد - برخی تحولات مثبت در موافقتنامه مربوط به منسوجات صورت پذیرفته است.^{۸۹}

89. 1994 Agreement on Textiles and Clothing.

۵. گات و سازمان تجارت جهانی به عنوان سازمانهای بین‌المللی

فقدان ساختار سازمانی و سازمان جدید (گات و سازمان تجارت جهانی)

پیشتر از این در خصوص اهمیت چارچوب سازمانی برای درک کامل طبیعت و قابلیت اعمال قواعد سیستم تجارت جهانی، بحث شد. همانطوری که برنده جایزه نوبل آقای داگلاس نورث (Douglas North) نوشته است، سازمانها در تعیین شرایط و محدودیتهایی که بر توسعه اقتصادی تأثیر گذارند، نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند.^{۹۰} در راستای تشریح بخشی از چارچوب مزبور، هر دو سازمان گات و سازمان تجارت جهانی بررسی خواهد شد. برخی مطالب راجع به سازمان گات شاید فقط جنبه تاریخی داشته باشد، اما به خاطر مقررهای که در منشور سازمان تجارت جهانی راجع به جنبه « راهنما داشتن» سوابق گات (بند ۱ ماده ۱۶ اعلام می‌دارد که: « سازمان تجارت جهانی تصمیمات، آیین‌ها و عملکرد گات را به‌عنوان راهنما به کار خواهد گرفت»)) مورد اشاره قرار گرفته است، سوابق مزبور عامل مهمی برای تفسیر و فهم نهاد «سازمان تجارت جهانی» و سایر مقررات می‌باشد. به‌علاوه، موافقتنامه گات به‌عنوان یک معاهده هنوز معتبر است (البته تحت عنوان گات ۱۹۹۴ که در ضمیمه ۱ — الف گنجانده شده است) اگرچه نقش سازمانی آن به سازمان تجارت جهانی محول شده است.

به رغم دیدگاه اولیه طراحان گات که آن را یک سازمان بین‌المللی تلقی نمی‌کردند، تکامل و عملکرد گات آن را به ایفاء نقش نهادی واداشت که هرگز برای آن ایجاد نشده بود. این امر موجب گردید که در عمل

90. Douglas C. North, *Institutions, Institutional Change and Economic Performance* (New York: Cambridge University Press, 1990).

به صورت یک سازمان حداقل برای ارائه مشورت، مذاکره و اجرای قواعد مربوط به تجارت بین‌المللی انجام وظیفه نماید. در مقابل، سازمان تجارت جهانی به روشنی یک سازمان بین‌المللی است که از طریق معاهده مؤسس (بطوری که در بخش ۳ در بالا تشریح گردید) ایجاد شده و حداقل‌های لازم جهت انجام وظایف سازمانی و نهادین به‌نحوی مؤثر را دارا می‌باشد. بنابراین بیشتر نقایص «مادرزادی» که گات دچار آن بود اکنون اصلاح شده است. در اینجا موارد خاصی از جنبه‌های ساختاری سیستم فعلی تجارت جهانی بویژه درخصوص عضویت، رأی‌گیری و اصلاح مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

عضویت

با توجه به این که از لحاظ نظری گات یک «سازمان» نبود [الزاماً] نمی‌توانست «عضو» داشته باشد. برای تقویت این دیدگاه می‌توان به استفاده از اصطلاح «طرفهای متعاقد» در موافقتنامه گات [به جای کلمه اعضا] توسل جست. در عین حال می‌توانیم با در نظر گرفتن تکامل گات در عمل به یک سازمان از «عضویت» سخن برانیم.

به غیر از ۲۳ کشوری که طرفهای اصلی متعاقد گات بودند، دیگر کشورها می‌توانستند جایگاه «طرف متعاقد» گات را از دو راه بدست آورند. شیوه معمول در ماده ۳۳ موافقتنامه گات بیان شده بود و آن مستلزم کسب دو سوم آرای مثبت اعضای فعلی موافقتنامه جهت پذیرش یک کشور در گات بود. عنصر کلیدی برای تحصیل آرای کافی به‌منظور الحاق، خواست یا آمادگی کشور متقاضی برای مذاکره درخصوص امتیازات تعرفه‌ای بود که کشورهای متعاقد عضو بر مبنای اصل «رفتار متقابل»

نسبت به امتیازات الزام آور موجود میان خود مناسب تشخیص می دادند. غیرعادلانه بود اگر به کشورهای متقاضی عضویت در گات اجازه داده می شد که منافع حاصله از بیش از ۴۰ سال امتیازات و تعهدات تجاری پذیرفته شده توسط اعضای موجود را به دست می آوردند بدون این که آنها تعهدات مشابهی را بر عهده نگیرند. این روند گاهگاهی به عنوان «مذاکره برای تحصیل بلیط ورودی» [به گات] عنوان شده است.

در این خصوص ماده ۱۲ منشور سازمان تجارت جهانی [تحت عنوان «الحاق»] از رویه گات پیروی کرده است (و احتمالاً بطور عمده از عملکرد گات راجع به آیین الحاق نیز پیروی خواهد شد). البته الحاق به سازمان تجارت جهانی مستلزم قبولی همه موافقتنامه‌های چند جانبه است، بنابراین راجع به الحاق [در نظام سازمان تجارت جهانی] یک نوع پیچیدگی مضاعفی وجود دارد.

عضویت در گات / سازمان تجارت جهانی محدود به «دولتها» نمی باشد
جنبه جالب توجهی از عضویت در گات — که در منشور تجارت جهانی نیز پذیرفته شده است — عدم لزوم وجود خصیصه «دولت دارای حاکمیت کامل» برای داوطلب عضویت است. موافقتنامه گات و منشور سازمان تجارت جهانی (در ماده ۱۲) بیان می دارد که [هر دولت یا] «قلمرو گمرکی مجزایی که در اداره روابط خارجی و سایر امور پیش‌بینی شده در موافقتنامه حاضر و موافقتنامه‌های تجاری چند جانبه خودمختاری کامل داشته باشد» می تواند «طبق شرایطی که مورد توافق قرار گیرد» به سازمان تجارت جهانی ملحق شود. البته، چنین الحاقی مطابق دیدگاه «مجموعه واحد» مستلزم قبولی کامل ضمایم شماره ۱، ۲ و ۳ منشور

نهادهای بین‌المللی تجارت ... ❖ ۲۰۹

تجارت جهانی می‌باشد. بنابراین موافقتنامه‌های گات، گتس* و تریپس** [یا حقوق دارایی معنوی] را شامل می‌گردد.

طریقه دومی نیز برای عضویت در گات وجود داشت. مطابق پاراگراف ج بند ۵ ماده ۳۶ چنانچه کشوری موافقتنامه گات درخصوص سرزمینی که از حیث گمرکی وابسته به خود بود (مانند یکی از مستعمراتش) را پذیرا می‌شد و این واحد وابسته بعداً استقلال می‌یافت، واحد مزبور صرفاً با حمایت کشور مادر می‌توانست به عضویت در گات در آید. از تاریخ تأسیس گات، بیش از ۵۰ کشور بدین طریق به عضویت گات در آمده‌اند. مزیت این کشورها این بوده است که آنها لازم نداشتند که برای کسب «بلیط ورودی» با سایر اعضای گات وارد مذاکره شوند.

یکی از نتایج مقرره مورد بحث این بوده است که تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه - یعنی آنهایی که به تازگی به استقلال رسیده بودند و برای به دست آوردن جایگاه «طرف متعاقد» مورد حمایت کشور مادر قرار گرفته بودند - جداول تعرفه‌ای نداشتند یا این که جداول تعرفه‌ای مختصری را دارا بودند. در نظام جدید یعنی نظام سازمان تجارت جهانی وضع دیگر چنین نیست. یکی از شرایط عضویت در سازمان تجارت جهانی قبولی جدول امتیازات و تعهدات هم برای موافقتنامه گات و هم برای موافقتنامه گتس (خدمات) می‌باشد.

کشور داوطلب الحاق [به سازمان تجارت جهانی] همانطور که در بالا اشاره شد، باید جهت رسیدن به توافق [درخصوص امتیازات و تعهدات] با

*. GATS.

** . TRIPS.

سازمان تجارت جهانی وارد مذاکره گردد. بنابراین همان شرایطی که برای اعضای اصلی اعمال شده است در مورد کشور مزبور نیز اعمال خواهد شد.

شرط کناره‌گیری اختیاری (The opt – out clause)

ماده ۳۵ گات حاوی مقرره مهمی است که در مورد این سؤال که تعهدات طرفهای متعاقد گات بر چه کسانی اعمال می‌گردد، تأثیر می‌گذارد. این ماده در پیش نویس اولیه گات ۱۹۴۷ هنگامی گنجانده شد که میزان آرا برای ورود اعضای جدید از اتفاق آرا به دو سوم کاهش داده شد. ماده مزبور به یک عضو قبلی و همین طور به متقاضی عضویت [در گات] اجازه می‌داد که فقط در یک مرتبه و آن هم هنگامی که کشور جدید به عضویت گات در می‌آمد، از داشتن هرگونه رابطه ناشی از گات [نسبت به یکدیگر] خودداری کنند [به عبارت دیگر هیچ گونه رابطه حقوقی بین آنها ایجاد نشود]. این شرط خروج اختیاری بطور گسترده‌ای علیه ژاپن در هنگام الحاق این کشور^{۹۱} به گات مورد استفاده قرار گرفت^{۹۲} و توسط سایر کشورها به دلایل گوناگونی مورد استفاده قرار گرفته است. غالباً دلیل اعتراض نسبت به داشتن رابطه در گات طبیعت سیاسی دارد، بطور مثال می‌توان به استناد هند به ماده ۳۵ در سال ۱۹۴۸ علیه افریقای جنوبی اشاره نمود. شرط کناره‌گیری اختیاری در موافقتنامه‌های متعدد دور توکیو سال ۱۹۷۹ وارد شدند و در مواردی نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند.^{۹۳}

91. See generally Jackson, supra note 2, section 4.6. As of 6 June 1988 thirteen contracting parties were exercising such an option (see GATT L/6361 [1988]).

92. See Jackson, supra note 2, 98-102.

93. All but three of the 1979 MTN arrangements had measures permitting non-application of the rights and obligations between signatories. The three that contained no such waiver provision were the Arrangement Regarding Bovine Meat (GATT, BISD 26 Supp. 84 [1980]), the

ماده ۸ منشور تجارت جهانی این مفهوم یک بار «کناره گیری اختیاری» میان اعضای سازمان تجارت جهانی هنگامی که یکی یا دیگری به عضویت آن در می آید را به رسمیت شناخته است. در ماده مزبور پیش بینی شده است که شروط اختیاری [قبلی] گات هنوز نافذ هستند و اکنون بر همه موافقتنامه های چندجانبه تجاری در ضمایم ۱ و ۲ (مربوط به حل و فصل اختلافات) اعمال می گردند. منشور ابهام مربوط به زمانی که اعلامیه خروج اختیاری باید صادر شود - که در گات وجود داشت - برطرف کرده است. این می تواند اهمیت زیادی داشته باشد به این معنی که یک کشور داوطلب عضویت ممکن است عضویتش به تصویب برسد و خود را عضو بداند ولی [بعدها] متوجه شود که یک رابطه الزام آور معاهداتی در خصوص قواعد مهم در مقابل عضو دیگر سازمان تجارت جهانی ندارد، زیرا که عضو دیگر اعلام خروج صادر کرده است. در واقع، مدلول منشور سازمان تجارت جهانی در این باره حاکی از آن است که عضو موجود می تواند به نفع عضویت کشور داوطلب عضویت رأی بدهد و هم زمان با آن اخطار خروج اختیاری را صادر نماید. مطابق قوانین موجود ایالات متحده (در اواسط سال ۱۹۹۶) دولت این کشور ممکن بود ملزم شود که از شرط کناره گیری اختیاری در صورت الحاق برخی از «کشورهای کمونیستی» استفاده نماید (این مسأله ایالات متحده و کشور دیگر را در وضعیتی قرار می دهد که در آن رابطه ای [مشابه آنچه در گات یا سازمان تجارت جهانی می تواند میان آنها وجود داشته باشد] بر مبنای موافقتنامه های دوجانبه داشته باشند. البته این موافقتنامه ها منوط به بازنگری سالیانه یا

International Dairy Arrangement (GATT, BISD 26 Supp. 91 [1980]), and the Agreement on the Implementation of Article VII (GATT, BISD 26. Supp. 116 [1980]).

بازنگری دیگری خواهند بود). مفاد منشور سازمان تجارت جهانی [درخصوص شرط خروج اختیاری] مشابه مقرره گات می‌باشد، اما دایره شمول آن فراتر از موافقتنامه گات است و خود منشور سازمان تجارت جهانی و موافقتنامه‌های چندجانبه تجاری و ضمایم آنها را در بر می‌گیرد.

سؤالات متعدد جالب توجهی در مورد مسأله عضویت در عملکرد گات مطرح بوده است که یکی از آنها وضعیت جامعه اروپایی در گات می‌باشد. می‌توان ادعا نمود که جامعه اروپایی «قلمرو مجزای دارای خود مختاری کامل» در امور گات می‌باشد و نتیجتاً خود می‌توانست یک طرف متعاقد باشد. در عین حال جامعه اروپایی اقدامی در این خصوص انجام نداد. جامعه مزبور کشورهای عضو خود را (که همگی طرف متعاقد گات می‌باشند) در گات نمایندگی می‌کرد. با وجود این معاهده رم صلاحیت مربوط به روابط تجاری خارجی اعضایش را به نهادهای جامعه اروپایی واگذار می‌کند. کمیسیون جامعه اروپایی نمایندگی را در گات (و اکنون در سازمان تجارت جهانی) ایجاد نموده است که مدعی حق انحصاری اعلام مواضع کشورهای عضو [جامعه اروپایی] در مسائل تجاری در گات می‌باشد. معهدا در مواقعی میان نمایندگان کمیسیون جامعه اروپایی و کشورهای عضو در این ارتباط نوعی تنش بوجود آمده است. به‌علاوه، در موارد متعددی تصمیم [در گات] بر این منوال بوده است که کمیسیون جامعه اروپایی صلاحیت مذاکره در خصوص موضوعی را در گات دارا نمی‌باشد و در این رابطه خود کشورهای عضو جامعه اروپایی اقدام نموده‌اند. هنگامی که در گات موضوعی به رأی‌گیری گذارده شده است (که البته ندرتاً اتفاق افتاده است) هر کشور عضو جامعه اروپایی به‌عنوان یک طرف متعاقد رأی خود را اعلام کرده است (البته فرض بر این بوده است که

آرای کشورهای جامعه اروپایی توسط این جامعه هماهنگ شده است). بنابراین در عمل جامعه اروپایی تعداد ۱۲ رأی یا بیشتر را به خود اختصاص داده بود.^{۹۴}

چین یکی از طرفهای متعاهد اصلی گات بود اما بنا بر برخی دیدگاهها در سال ۱۹۵۰ از گات خارج شد (البته این موضوع بحث انگیز بوده است).^{۹۵} در دور اروگوئه جمهوری خلق چین در مورد استرداد کرسی عضویت خود [با گات] وارد مذاکره شد. این کشور در سال ۱۹۸۴ به موافقتنامه منسوجات ملحق گردید و در همان سال سمت عضو ناظر در سازمان گات را بدست آورد.^{۹۶} چین خیلی مشتاقانه تلاش نمود که به عنوان عضو اصلی در سازمان جدید التأسيس یعنی سازمان تجارت جهانی پذیرفته شود که البته لازمه این کار ابتدا طرف متعاهد شدن این کشور در گات مطابق آیین مناسب آن بود (مطلبی که به نظر مبهم می آید). با این وجود تلاش چین در رسیدن به هدف مزبور موفقیت آمیز نبود [در نهایت، چین پس از مذاکرات طولانی و تلاشهای گسترده موفق گردید در ۱۱ دسامبر سال ۲۰۰۱ رسماً به عضویت در سازمان تجارت جهانی درآید].

وضعیت هنگ کنگ نیز در رابطه با عضویتش در گات بسیار جالب است. برای سالهای متمادی هنگ کنگ در گات به عنوان مستعمره

94. See Jean Groux and Phillipe Manin, *The European Communities in the International Order* (Brussels: European Commission, 1985), part 2, chapter I; see Emst-Ulrich Petersmann, "The EEC as a GATT Member: Legal Conflicts between GATT Law and European Community Law", in *The European Community and GATT*, Meinhard Hilf, Francis Jacobs, and Emst-Ulrich Petersmann, eds. (Deventer: Kluwer, 1986). 23-71.

95. See Chung-chou Li, "Resumption of China's GATT Membership", *Journal of World Trade Law* 21 (1987), 25.

96. China became a signatory to the GATT MFA on December 15, 1983, the agreement having effect on 18 January 1984 (Status of Legal Instruments).

پادشاهی متحده انگلستان که یکی از اعضای اصلی گات است،^{۹۷} مشارکت داشته است. در آوریل ۱۹۸۶ پس از بیانیه دولت پادشاهی متحده انگلستان وفق ماده ۲۶ گات، هنگ کنگ توسط طرفهای متعاقد گات به عنوان یک طرف متعاقد [دارای حقوق و تکالیف کامل مانند سایر اعضا] پذیرفته شد. در عین حال برای اعطای چنین جایگاهی لازم بود که معین شود هنگ کنگ از حیث گمرکی خودمختاری کامل نسبت به روابط تجاری خارجی اش را دارا بود. سلطه پادشاهی متحده انگلستان بر هنگ کنگ و سرزمینهای مجاور آن در سال ۱۹۹۷ پایان می یافت. قبلاً بین این کشور و چین در خصوص استرداد هنگ کنگ به چین و وضعیت هنگ کنگ بعد از استردادش به چین، توافق حاصل شده بود. قبل از این که هنگ کنگ به عنوان یک طرف متعاقد گات پذیرفته شود، از طرف چین اطمینان داده شد که وضعیت هنگ کنگ به منظور الزامات ماده ۲۶ همچنان مستقل باقی خواهد ماند.^{۹۸} هنگ کنگ به عنوان یک طرف متعاقد اصلی گات اقدامات لازم جهت الحاق به سازمان تجارت جهانی (به عنوان یک عضو اصلی این سازمان) انجام داد و از تاریخ اول ژانویه ۱۹۹۵ یعنی روز تأسیس سازمان تجارت جهانی هنگ کنگ یک عضو این سازمان بوده است.

اختیارات در گات و سازمان تجارت جهانی

در حالی که موافقتنامه گات قصد تأسیس یک سازمان بین المللی را نداشت، موافقتنامه مزبور در برگیرنده مقرراتی بود که به نظر می رسید

97. For example, Hong Kong has brought an action before a GATT panel, although the request for the establishment of the panel was placed by the United Kingdom (see GATT, BISD 30 Supp. 129 [1984]).

98. See GATT/1384,24 April 1986.

اختیارات اجرایی وسیعی را اعطا می‌نمود.^{۹۹} رکن اصلی گات، «طرفهای متعاقد» بود. تعدادی از مقررات گات اقدام مشترک را پیش‌بینی می‌کرد، اما ماده ۲۵ موافقتنامه اختیارات کلی را به «طرفهای متعاقد» می‌داد تا «در زمانهای مقتضی به منظور عملی ساختن مقررات موافقتنامه گات که مستلزم اقدام مشترک بود، تشکیل جلسه دهند و به طور کلی اجرا و پیشبرد اهداف آن را تسهیل نمایند».^{۱۰۰} هر «طرف متعاقد» دارای یک رأی بود و در خصوص هر موضوع رأی اکثریت تعیین کننده بود، مگر این که موافقتنامه میزان رأی را طور دیگری معین کرده بود.

از عبارات ماده ۲۵ گات می‌توان ملاحظه نمود که بالقوه اختیارات وسیعی برای «طرفهای متعاقد» وجود داشت اما در عمل از این اختیارات استفاده چندانی نشد. دولتهای زیادی (از جمله ایالات متحده امریکا) چنانچه می‌خواستند از حداکثر اختیارات مطرح شده در ماده ۲۵ استفاده کنند با مشکلات جدی قانون اساسی مواجه می‌شدند. در عین حال، استفاده از معافیت بسیار گسترده بود و در برخی موارد به «اصلاحیه» شبیه بوده است.^{۱۰۱}

همچنانکه ملاحظه خواهد شد، سازمان تجارت جهانی در مقایسه با گات قوانین پیچیده‌تری را در خصوص شیوه تصمیم‌گیری دارا می‌باشد و همچنین مقررات کنترلی زیادی در مورد اختیارات سازمان وجود دارند. عبارت وسیع ماده ۲۵ [گات ۱۹۴۷] در [منشور] سازمان تجارت جهانی جایگاهی ندارد و احتمالاً مقررات ماده مزبور (که اکنون در ضمیمه شماره

99. See supra section 2.

100. See GATT Article XXV.1.

101. See Jackson, supra note 2, sections 4.6, 5.6, and 22; see also Jackson, Davey, and Sykes, supra note 2, section 6.4(B).

یک منشور سازمان تجارت جهانی درج شده است) توسط سازمان تجارت جهانی بکار گرفته خواهد شد.

طرفهای متعهد گات امور خود را با استفاده از تعداد زیادی کمیته، گروههای کاری، هیأتها و سایر ارکان انجام می دادند.^{۱۰۲} مهمترین رکن فرعی «طرفهای متعهد» «شورا» بود که به وسیله قطعنامه طرفهای متعهد در سال ۱۹۶۰ تأسیس گردید. شورا متشکل بود از نمایندگان کلیه طرفهای متعهد گات که مایل به پذیرش مسئولیت عضویت در آن شورا بودند و ماهیانه تشکیل جلسه می داد. جزئاً به خاطر تشکیل این رکن و همچنین به دلیل کسب دستور از مرکز یا حتی اعلام رأی از طریق تلکس به طور فزاینده ای روند عادی کار شورا شده بود، جلسات «طرفهای متعهد» در حد یکبار در سال و آن هم به مدت چند روز کاهش یافته بود. امور روزمره گات توسط شورا انجام می گرفت و این شورا نقش نظارتی بر سایر ارکان گات بر عهده داشت.

سازمان تجارت جهانی با داشتن ارگانهای فرعی فراوان به روشنی رویه گات را دنبال کرده است. در حقیقت سازمان تجارت جهانی بجای یک شورا دارای چهار شورا می باشد که یکی از آنها «شورای عمومی» است که به نظر می رسد از همه مقتدرتر می باشد و اختیارات انحصاری در خصوص برخی اقدامات (مانند امر «تفسیر») را دارا می باشد. بطور کلی عالی ترین رکن سازمان تجارت جهانی «کنفرانس وزیران» می باشد که ملزم است حداقل هر دو سال یک بار تشکیل جلسه دهد.

102. See Jackson, *supra* note 2, chapters 6 and 7, Edmond McGovern, *International Trade Regulation* (Exeter: Globefield Press, 2d ed., 1986), chapter 1.14. See also GATT, INF/236 (1987), "List and Index of Documents Issued by Bodies", which lists the committees of GATT.

به پیروی از مدل شورا در گات، «شورای عمومی» احتمالاً بطور منظم تشکیل جلسه خواهد داد و می‌تواند در فواصل دوره زمانی تشکیل جلسه کنفرانس وزیران [یعنی بین دو سال] وظایف کنفرانس وزیران را انجام دهد. به‌علاوه موافقتنامه سازمان تجارت جهانی وظایف دیگری را نیز به‌عهده شورای عمومی گذارده است. یک شورا برای هر یک از سه موافقتنامه اصلی مندرج در ضمیمه شماره ۱ ایجاد شده است. این شورای سه‌گانه عبارتند از «شورای تجارت کالا (گات)؛ شورای تجارت خدمات (گتس) و شورای جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق دارایی معنوی (تریپس)». هر یک از این سه شورا وظایف ویژه‌ای که در موافقتنامه مربوطه‌شان در نظر گرفته شده را انجام می‌دهند، اما تحت «هدایت کلی شورای عمومی فعالیت خواهند کرد». این ساختار به‌نظر می‌رسد که ساختاری پیچیده و غیرمتعارف باشد و ظاهراً تحت تأثیر منافع گوناگون معارض در بین نمایندگان مذاکره‌کننده درخصوص تلاش برای کنترل بر موضوعات متنوع در سه موافقتنامه ضمیمه شماره ۱ صورت پذیرفته است. باید دید که در آینده این ساختار چگونه عمل خواهد کرد، بویژه آیا در طی زمان چهار شورای فوق از حیث زمان تشکیل جلسه و اسناد دستور کار به برنامه کاری مشترک تمایل خواهند داشت.

در سی‌ام اوت ۱۹۹۵ (یعنی تاریخی که گات منحل گردید) سازمان گات یکصد و بیست و هشت «طرفهای متعاقد» داشت. پر واضح است که این دیگر فقط «گروه مرفه» کشورهای ایجادکننده آن در ۱۹۴۷ را در بر نمی‌گرفت. صرف تعداد زیاد [کشورهای عضو] عملکرد مؤثر گات را با گذر زمان بیشتر و بیشتر دشوار می‌کرد. مشکلات مشابهی همچنین در سازمان تجارت جهانی بروز خواهد نمود (دراول ژانویه ۲۰۰۲ تعداد

کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی به ۱۴۴ رسید). ۲۸ کشور هم به‌عنوان «عضو ناظر» بشمار می‌روند که درخواست آنها در حال بررسی است. [به‌رغم اعلام آمادگی و درخواست رسمی جهت عضویت، دولت ایران نتوانسته است موافقت مقدماتی سازمان برای مذاکره را کسب نماید و در نتیجه هنوز وضعیت «عضو ناظر» را هم ندارد]. با در نظر داشتن انواع کنترلها و نظارتهای حاکم بر اختیارات سازمان تجارت جهانی و ارگانهای فرعی آن و با توجه به این گرایش که سعی دارد از هرگونه تمرکز اختیارات و عملیات در بخش‌های مختلف سازمان پرهیز نماید، می‌توان انتظار داشت که مشکلات فرا راه مؤثر بودن سازمان تجارت جهانی افزایش خواهد یافت. قبلاً میل به ارجاع امور خود به سایر مکانها، برای مثال به «نشست سالانه» گروه اندکی از وزرای بازرگانی مانند «گروه چهارگانه» (یعنی، ایالات متحده امریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن و کانادا)، یا ترتیبات منطقه‌ای خاص یا سایر انواع نشست‌ها بین وزرای بازرگانی و سایر مقامات عالی‌تر، در میان کشورهای عمده عضو گات و سازمان تجارت جهانی مشاهده شده است. وفاق عام عامل مهم تصمیم‌گیری در سازمان تجارت جهانی خواهد بود و اکنون با تعریف جدید و با توجه به رویه‌ای که در تاریخ گات رشد یافته است - بدون این‌که در معاهده‌ای تشریح گردد - مورد تأکید قرار گرفته است.

این مسأله می‌تواند موجبات مختل نمودن رشد سازمان را فراهم نماید و یا از سوی دیگر می‌تواند در برخی موارد منافع کشورهای قدرتمند عضو سازمان تجارت جهانی را به مخاطره اندازد (اگرچه به‌نظر می‌رسد که موانع زیادی برای جلوگیری از این اتفاق تعبیه شده‌اند). به این دلایل گاهی اوقات پیشنهاد شده است که گات - و اکنون سازمان تجارت جهانی - به

یک نوع «سوپر کمیته» عالی مرتبه نیاز دارد که بتواند مانند یک رکن اجرایی اقدام نماید؛ کمیته‌ای که به‌طور دقیق بیانگر روابط مبتنی بر قدرت واقعی در سازمان باشد.

[در سازمان تجارت جهانی] شیوه رأی‌گیری کیفی (وزنی) که در صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بکار می‌رود راه حل عملی تلقی نشده است. گفته شده است که گروه کوچکی از دولتها که در برگیرنده کشورهای مقتدر تجاری و همچنین نماینده‌هایی از سایر گروههای کشورهای متعاهد، می‌توانند سازمان را راهنمایی نمایند. در سال ۱۹۷۵، در طی مذاکرات دور توکیو یک «گروه مشورتی» با هیجده عضو تشکیل گردید که این ملاحظات بطور جزئی سبب ایجاد آن بود. در عین حال گروه مزبور نتوانست نقش مقتدرانه‌ای را ایفا نماید.^{۱۰۳}

رأی‌گیری و تصمیم‌گیری در گات و سازمان تجارت جهانی

اقدام جمعی از سوی طرفهای متعاهد گات راجع به موضوعات زیادی تابع قاعده اکثریت بود. در عین حال در مورد مسائل زیادی شیوه وفاق عام به‌عنوان قاعده اولی در عمل توسعه یافت. در حقیقت به دلایل موجهی نوعی ترس از رأی‌گیری وجود داشت. ساختار رأی‌گیری – همانطور که در بیشتر سازمانهای بین‌المللی امروزی متداول است – به‌سختی بیانگر روابط قدرت واقعی اعضا می‌باشد. رویه معمول در گات این بود که از هرگونه رأی‌گیری پرهیز شود، اگرچه این رویه از جهات موضوعات اصلاح، عضویت و اعطای معافیت مقید بود، بطوری که حداقل برای اعطای

103. See for example, GATT, BISD 32 Supp. 44 (1986).

معافیت، یا عضویت یا اصلاح رأی گیری رسمی (یا قبولی معاهده) ضروری تلقی می‌شد.

آیین کار و اولویتهای فوق در سازمان تجارت جهانی ادامه یافته‌اند و در واقع مجدداً تعریف شده و مورد پیرایش قرار گرفته‌اند. در ماده ۹ راجع به «تصمیم‌گیری» بطور صریح اعلام شده است که «سازمان تجارت جهانی رویه تصمیم‌گیری از طریق وفاق عام را که در گات ۱۹۴۷ دنبال می‌شد، همچنان ادامه خواهد داد». در پاورقی که در پایان این جمله اضافه شده، آمده است که «اگر در جلسه‌ای که تصمیم گرفته می‌شود، هیچ عضوی رسماً نسبت به تصمیم پیشنهادی اعتراض نکند، چنین تلقی خواهد شد که رکن ذی‌ربط راجع به مسأله ارجاع شده جهت رسیدگی از طریق وفاق عام تصمیم گرفته است». این احتمالاً یکی از معدود تعاریف وفاق عام است که تاکنون ارائه شده است و احتمالاً بر تفسیر مفهوم وفاق عام در موافقتنامه‌های دور اروگوئه تأثیرگذار خواهد بود، اگرچه بر این امر بطور قطع نمی‌توان اطمینان داشت. تا حدودی، این تعریف از وفاق عام به‌نظر می‌رسد که تقریباً به هریک از اعضا نوعی حق و تو اعطا می‌کند، در عین حال لازم به تأکید است که وفاق عام به معنی اتفاق آرا نیست. طرفهای غایب و آنهایی که حاضرند ولی نظر ممتنع دارند، نمی‌توانند مانع پیدایش وفاق عام گردند. از این رو، کشورهایایی که از لحاظ مالی یا سیاسی برای داشتن نمایندگی دائمی و متناسب در سازمان تجارت جهانی با مشکل مواجه هستند ممکن است با تصمیماتی مواجه شوند که برخلاف میل آنها بوده [و بدون مشارکت آنها اتخاذ شده] باشند. این آیین کار، با توجه به این که کشورهای بزرگ بی‌تردید همواره در هر موقعیت مهم تصمیم‌گیری حضور خواهند داشت، تا حدودی مانند نوعی شیوه رأی‌گیری کیفی

(وزنی) عمل می‌کند. چکیده مختصری از برخی جهات آیین تصمیم‌گیری در موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی به شرح زیر است:

تصمیمات عادی (ماده ۹ بند ۱)

منشور سازمان تجارت جهانی تصریح می‌دارد که رویه گات ۱۹۴۷ درخصوص تصمیم‌گیری از طریق وفاق عام در کنفرانس وزیران سازمان تجارت جهانی و شورای عمومی دنبال خواهد شد، اما زمانی که وفاق عام امکان پذیر نباشد، تصمیمات براساس اکثریت آرا اتخاذ خواهد شد با این توضیح که هر عضو دارای یک رأی خواهد بود مگر این که خلاف آن تصریح شده باشد.

تفاسیر (ماده ۹ بند ۲)

کنفرانس وزیران و شورای عمومی صلاحیت انحصاری تصویب تفاسیر راجع به منشور سازمان تجارت جهانی و موافقتنامه‌های تجاری چندجانبه مندرج در ضمیمه ۱ را دارا می‌باشند. تفاسیر راجع به موافقتنامه‌های چندجانبه براساس توصیه شوراهایی که بر کارکرد موافقتنامه ذی‌ربط خود نظارت دارد انجام می‌پذیرد و رأی موافق سه چهارم اعضای سازمان تجارت جهانی را لازم دارد. به آیین مربوط به اصلاح مندرج در ماده ۱۰ نمی‌توان از طریق تفسیر خلی وارد نمود.

معافیت‌ها (ماده ۹ بند ۳)

کنفرانس وزیران می‌تواند تعهد خاصی از منشور سازمان تجارت جهانی و موافقتنامه‌های تجاری چندجانبه مندرج در ضمیمه یک را مستثنی

کند [یا به عبارت دیگر تعهدی که بر عهده یک عضو می‌باشد را لغو نماید]. چنانچه اعطای معافیت از طریق وفاق عام حاصل نشود رأی موافق سه چهارم اعضای سازمان تجارت جهانی برای تصویب چنین تصمیمی لازم می‌باشد. درخصوص اعطای معافیت نسبت به تعهدات ناشی از موافقتنامه‌های چندجانبه مندرج در ضمیمه شماره ۱، درخواست معافیت به شورای ذی‌ربط تقدیم خواهد شد (برای مثال شورای کالا، خدمات و دارایی معنوی) و شورای مزبور گزارشی تهیه و به شورای وزیران تسلیم می‌نماید. بند ۴ ماده ۹ مقرر می‌دارد که [در تصمیم کنفرانس وزیران] برای اعطای معافیت باید اوضاع و احوال استثنایی توجیه کننده تصمیم [و شرایط حاکم بر لغو تعهد] و تاریخی که مدت لغو تعهد مزبور خاتمه خواهد یافت، تصریح شوند. معافیت‌ها منوط به بازنگری سالیانه کنفرانس وزیران می‌باشد.

مذاکره راجع به موافقتنامه‌های دیگر (ماده ۳ بند ۲)

سازمان تجارت جهانی محلی خواهد بود برای مذاکره درخصوص موافقتنامه‌هایی که به موافقتنامه تأسیس آن ضمیمه شده‌اند. این سازمان همچنین محلی خواهد بود برای سایر مذاکرات راجع به روابط تجاری و براساس تصمیم کنفرانس وزیران نهادی خواهد بود که نتایج مذاکرات مزبور را به اجرا خواهد آورد.

ضمیمه شماره ۴ (موافقتنامه‌های میان چند طرف)

تصمیم‌گیری و اصلاح این موافقتنامه‌ها بر مبنای مقررات مندرج در آنها استوار می‌باشد (بند ۵ ماده ۹ و بند ۱۰ ماده ۱). کنفرانس وزیران می‌تواند موافقتنامه‌های تجاری [جدید] را از طریق وفاق عام به ضمیمه

شماره ۴ اضافه نماید. همچنین می‌تواند موافقتنامه‌ها را از فهرست ضمیمه شماره ۴ بنا به درخواست طرفهای عضو موافقتنامه مزبور حذف کند (بند ۹ ماده ۱۰).

به‌علاوه، اهمیت دارد که قابلیت‌های شیوه حل و فصل اختلافات و گزارشهای هیأت که از تغییر یا تکامل قواعد تجاری نشأت می‌گیرند، را خوب درک نمود.

در سازمان گات، برخی از اعضا نگران این بودند که «معافیت» نوعی جایگزین سهل‌الوصول بجای [مکانیزم] «اصلاح» می‌باشد. تعدادی از اسناد گات به این موضوع اشاره داشتند، اما عملکرد گات حاکی از بی‌اعتنایی نسبت به این موضوع بود. منشور سازمان تجارت جهانی بطور قابل ملاحظه‌ای قواعد مربوط به معافیت‌ها را سخت نموده و به صلاحیت سازمان در لغو معافیتها تصریح دارد (موضوعی که در گات جنجال برانگیز بود. بند ۳ ماده ۹).

همچنین نگرانی مشابهی در گات راجع به قواعد مربوط به اصلاح (مندرج در ماده ۳۰) مطرح بود. اتفاق آرای لازم برای برخی اصلاحات هرگز بدست نمی‌آمد و به همان مقدار که تعداد طرفهای متعاقد گات افزایش می‌یافت، دستیابی به آرای موافق دو سوم اعضا نیز مشکل‌تر می‌شد (البته اصلاحیه برای اعضای مخالف الزام‌آور نبود). این معضل یکی از عناصر مهم مذاکرات دور توکیو بود که نهایتاً مذاکره‌کنندگان را واداشت که به‌عنوان یک راه حل جهت پرهیز از اصلاح گات، به کدها یا موافقتنامه‌های «جانبی» درخصوص تعدادی از موضوعات گات توسل جویند. ولی این کدها یا موافقتنامه‌ها فقط کشورهایی که آنها را قبول کرده بودند، متعهد می‌ساخت. [به همین دلیل] در دور اروگوئه تصمیم

گرفته شد که یک رویکرد «مجموعه واحد» باید اتخاذ شود، بطوری که دولتهایی که به عضویت سازمان تجارت جهانی در می آیند به قبولی تقریباً همه موافقتنامه‌ها و قواعد ملزم باشند. کل مجموعه [اسناد] به‌عنوان یک معاهده جدید مورد قبول واقع می‌شد. بنابراین بدین نحو آیین اصلاح گات (سابق) بی‌اثر می‌گردید (و از نظر فن حقوقی احتمالاً منجر به خروج اعضا از گات سابق می‌گردید). قواعد اصلاح مجموعه جدید تا حدود زیادی مشابه قواعد گات (سابق) می‌باشند. بنابراین احتمال دارد که دشواری‌های مقررات گات (سابق) همچنان ادامه پیدا کند. در عین حال [لازم به تأکید است] که در برخی از زمینه‌ها، قواعد سازمان تجارت جهانی انعطاف‌پذیری گسترده‌تری را برای تغییر قواعد تجاری در بردارد.

به‌رغم هرگونه تلاش جدی که سازمان ممکن است جهت پرهیز از رأی‌گیری داشته باشد، ساختار حقوقی امکان مراجعه به آراء در هر سازمانی آثار زیادی دارد. وفاق عام غالباً مستلزم مذاکره برای حل اختلافات می‌باشد، اما چنین مذاکراتی با این آگاهی نزد مذاکره‌کنندگان توأم است که در صورت شکست مذاکرات نتیجه احتمالی چه خواهد بود. نتیجه ممکن است توسل به رأی‌گیری باشد که در چنین حالتی ساختار رأی‌گیری در واقع بر مذاکره برای رسیدن به وفاق عام تأثیر خواهد گذاشت. از سوی دیگر رأی‌دادن به یک پیشنهاد غیرواقعی گرایانه احتمالاً منجر به این خواهد شد که یک یا چند کشور قدرتمند به نتیجه رأی‌گیری واقعی نهند. این نیز می‌تواند مانعی بر سر راه مذاکرات باشد، حداقل هنگامی که مذاکره‌کنندگان افرادی مسؤول و بطور معقولی واقع‌گرا باشند.

رویکرد مبتنی بر شیوه وفاق عام مشکلات دیگری دارد. چنانچه این شیوه بطور کامل و دقیق اجرا گردد به همه کشورها یک نوع حق و تو اعطا

می‌کند. بنابراین هرگونه ابتکار بالقوه‌ای را به کمترین وجه مشترک [مورد قبول عام] تنزل می‌دهد. چنانچه شیوه مزبور بطور کامل اجرا نگردد، از «ساختار قدرت» واقعی شرکت کنندگان [در مذاکره] غالباً دفاع خواهد شد و این در واقع ممکن است به قدرتمندترین عضو گروه سهمی از قدرت اعطا نماید که می‌تواند بیشتر از آنچه ملاحظات سیاسی و یا انصاف حکم می‌کند، باشد. در طول دور توکیو، مذاکرات بطور واقعی غالباً با اتخاذ تصمیمات مهم توسط ایالات متحده امریکا، جامعه اروپایی و ژاپن آغاز می‌گردید. کانادا یا تعداد اندکی از سایر کشورها ممکن بود که بتوانند به نحوی خود را وارد مذاکرات کنند ولی حتی در این حالت هنوز اکثریت زیادی از طرفهای متعاقد و سایر دولتهای مذاکره کننده ممکن بود از هرگونه تأثیر گذاری بر پیش‌نویس یک موافقتنامه پیشنهادی - تقریباً تا پایان مرحله‌ای که دیگر هرگونه تغییر در متن بسیار مشکل می‌شد - محروم گردند.¹⁰⁴ در دور اروگوئه، گروههای «شرکت کننده درونی» [یعنی مشارکت کنندگان در درون گروههای مذاکره کننده] [از حیث تعداد] اعضا بسیار وسیع بودند اما گروه کلیدی «چهارگانه» همچنان از نفوذ قابل ملاحظه‌ای برخوردار بودند.

موضوع توسل به رأی گیری یا وفاق عام همچنین مشکلات زیادی را فرا روی آیین حل و فصل اختلافات در گات [سابق] قرار گذارده بود بطوری که تصویب گزارش هیأت - هنگامی که یکی از طرفین اختلاف نارضایتی خود را از گزارش مزبور اعلام در نتیجه وفاق عام میسر نمی‌شد -

104. See Jackson, Louis, and Matsushita, supra note 3. See Gilbert R. Winham, *International Trade and the Tokyo Round Negotiations* (Princeton, NJ Princeton University Press, 1986). chapters 6 and 9. See also "Symposium on the Multilateral Trade Agreements 11", *Law and Policy In International Business* 12 (1980), 1-334, in particular, John H. Jackson, "The Birth of the GATT-MTN System: A Constitutional Appraisal", 21.

توسط شورا اگر محال نبود حداقل بسیار مشکل بود. چنین «انسدادی» انگیزه‌ای شد برای توسعه یک نظام جدید حل و فصل اختلافات مشتمل بر یک «هیأت استیناف». با در نظر گرفتن این مشکل بخصوص - و همچنین گرایش به جلوگیری از ادامه سیاست «a la carte» [منظور سیاستی است که شخص در انتخاب امری اختیار محدود دارد] دور توکیو - است که اقدامات حقوقی مورد استفاده جهت به اجرا در آوردن نتایج دور اروگوئه و تأسیس سازمان تجارت جهانی را می‌توان بهتر درک نمود. همانطوری که در قسمت ۳ اشاره شد، رویکرد حقوقی بر این بود که تلاشی نشود گات [به‌عنوان یک سازمان] مورد اصلاح قرار گیرد بلکه به کلی از آن صرف‌نظر شود. در عوض یک معاهده کامل جدید منعقد گردید که سازمان تجارت جهانی مانند چتری کلیه موافقتنامه‌هایی که ضمیمه منشور آن شده‌اند، را در بر می‌گیرد. از لحاظ حقوقی هیچ‌گونه تعداد حداقل لازم برای لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی و دیگر موافقتنامه‌های دور اروگوئه معین نشده بود اگرچه بدیهی بود که از لحاظ عملی این موافقتنامه‌ها لازم بود که مورد قبول کلیه کشورهای مهم تجاری قرار می‌گرفتند البته هرچه بیشتر بهتر. در حقیقت تعداد کشورهایایی که به این موافقتنامه‌ها ملحق شدند حتی قبل از موجودیت سازمان تجارت جهانی (در سال‌های بعد از آن) همانطور که قبلاً اشاره کردیم بسیار گسترده بوده است.

به هر حال تعداد زیادی مسائل حقوقی در خصوص ارتباط متقابل میان انواع متون موافقتنامه‌های دور اروگوئه همچنان باقی ماند (اگرچه همگی بخشی از یک معاهده عظیم می‌باشند). قبلاً به برخی از این مسائل،

مانند رابطه گات ۱۹۹۴ و برخی از «موافقتنامه‌های» مرتبط با گات [۱۹۴۷]، اشاره شده است.

در تاریخ اول ژانویه ۱۹۹۷ تعداد ۱۲۹ کشور در سازمان تجارت جهانی عضویت داشتند و ۳۴ کشور دیگر در حال مذاکره جهت الحاق بوده‌اند. ترکیب این اعضا را می‌توان بطور تقریبی به شرح ذیل تقسیم نمود:^{۱۰۵}

۱۲۹	تعداد کل اعضای سازمان تجارت جهانی
۲۶	کشورهای صنعتی
۱۵	کشورهای عضو اتحادیه اروپایی
۷۳	کشورهای در حال توسعه
۲۹	کشورهای دارای کمترین توسعه یافتگی (کشورهای افریقایی و حوزه کارائیب)
۵۲	عضو کنوانسیون لومه - اتحادیه اروپایی

[توضیح این که] کنوانسیون لومه یکی از معاهدات تجاری ترجیحی (اکنون چهارمین) میان اتحادیه اروپا و کشورهای ا - سی - پی (آسیایی - کارائیب - پاسفیک) می‌باشد. برخی از ارقام فوق‌الذکر تقریبی هستند و ممکن است با تغییر تعاریف ذی‌ربط تفاوت پیدا کنند).

اگرچه هنوز دلایل معینی برای رأی دادن بر مبنای دسته‌بندی یا نوعی همبستگی [سیاسی] مبتنی بر دسته‌بندیها، موجود نمی‌باشد، می‌توان مشاهده نمود که برخی خطرات از حیث ساختار کلی عضویت وجود دارد

105. A listing of LDC countries is provided in the Statistical Yearbook (United Nations). U.N. Doc ST/ESA/STAT/SER. 5/16, at 823, 824.

بویژه اگر شیوه تصمیم‌گیری براساس وفاق عام نتواند کارآمد باشد. کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای کمترین سطح توسعه یافتگی بیشتر از ۸۰٪ اعضای [سازمان تجارت جهانی] را تشکیل می‌دهند. اتحادیه اروپا خود دارای ۱۵ رأی می‌باشد و چنانچه کشورهای متحد با آن و کشورهای ا-سی-پی بدان ملحق شوند، بخوبی می‌توانند ۸۴ رأی یا بیشتر را دارا باشند. یعنی چیزی در حدود ۶۵٪ کل آرا در سازمان تجارت جهانی. این ارقام می‌تواند تأثیر به‌سزایی بر سازمان تجارت جهانی و حتی در روند تصمیم‌گیری بر مبنای وفاق عام داشته باشد. برای مثال اعطای معافیت بطور کلی به سه چهارم آرا نیاز دارد و کشورهای در حال توسعه به تنهایی قادر به این امر می‌باشند. با این وجود تجربه کلی و رویه‌های رأی‌گیری گات (و امروز رویه سازمان تجارت جهانی) نشان می‌دهد که احتمال عجز در تصمیم‌گیری بیش از سوءاستفاده از قدرت رأی مطرح می‌باشد.

اصلاح موافقتنامه‌ها

در طی مذاکرات دور توکیو (در سالهای ۱۹۷۹-۱۹۷۳) اصلاح شروط عمومی گات بطور کلی غیرعملی پنداشته شد. بنابراین گنجاندن نتایج مذاکرات دور توکیو در خصوص اقدامات غیرتعرفه‌ای در قالب اصلاحیه بر گات امری غیرممکن تلقی می‌شد. دستیابی به قبولی پارلمانهای بیشتر از ۹۰ کشور (یا حتی بیشتر از ۶۰ کشور) احتمالاً مستلزم تلف کردن وقت زیادی بود. به‌علاوه چنین رویکردی در عمل به کشورهای در حال توسعه که دارای اکثریت زیادی بودند، قدرت مذاکره‌ای بیشتری اعطا می‌کرد.

از سوی دیگر توسل به کدهای جانبی یا معاهدات مستقل فرعی به منظور گسترش و شفاف سازی قواعد گات مشکلات فنی حقوقی و اداری را بوجود می آورد. درخصوص این مشکلات نویسنده مطالب ذیل را در جایی دیگر عنوان نموده است.

«ارتباط بین انواع کدها و موافقتنامه‌های گات بطور فزاینده‌ای پیچیده تر خواهد شد. این پیچیدگی به نوبه خود درک سیستم مذاکرات چند جانبه تجاری و گات را برای عامه مردم مشکل می سازد و این شاید حمایت کمتر مردم از سیستم را به دنبال داشته باشد. پیچیدگی مزبور به کشورهای کمتری مردم از سیستم را به منظور نمایندگی خود در رابطه با مشکلات گات اختصاص دهند، لطمه وارد می کند. به علاوه چنین پیچیدگی به ظهور انواع گوناگون اختلاف حقوقی میان اعضای گات منجر خواهد شد و در نهایت این که می تواند این باور که کشورهای ثروتمند قادرند که سیستم گات را در کنترل خود گرفته و آن را جهت منفعت خود بکار گیرند، را تقویت خواهد نمود.^{۱۰۶}

مهمترین ویژگی قابل ملاحظه [نتایج مذاکرات دور توکیو] «تفکیک سازی» یا اختصاصی کردن شیوه حل و فصل اختلافات در موافقتنامه‌های گوناگون می باشد.^{۱۰۷}

یکی از سؤالات ناشی از توسل به کدهای جانبی — که فقط کشورهایایی که آنها را پذیرفته بودند را ملزم می کرد — ارتباط این کدها با تعهدات خود موافقتنامه گات بود. البته دور اروگوئه، با توجه به مفهوم «مجموعه واحد» رویکردی کاملاً متفاوت داشته است.

106. See Jackson, supra note 104, 40.

107. See Jackson, supra note 2, chapter 4.

منشور سازمان تجارت جهانی اکنون روند نسبتاً پیچیده‌تری را برای اصلاح در بر دارد. در ماده ۱۰ مقرر شده است که پیشنهاد اصلاحیه نسبت به منشور سازمان تجارت جهانی و موافقتنامه‌های تجاری چندجانبه مندرج در ضمیمه شماره ۱ آن توسط اعضا یا شوراها [چهارگانه] به کنفرانس وزیران ارائه خواهد شد. چنانچه وفاق عام در این خصوص قابل حصول نباشد، تصویب اصلاحیه پیشنهادی جهت ارائه به اعضا نیازمند دو سوم آرای اعضای سازمان تجارت جهانی می‌باشد. بطور کلی، اصلاحیه‌ها با تصویب دو سوم اعضا لازم‌الاجرا می‌گردند. چنانچه تصمیم گرفته شده باشد که اصلاحیه مزبور بر حقوق و تکالیف اعضا تأثیری نخواهد داشت در همان زمان برای کلیه اعضا لازم‌الاجرا می‌گردد. در غیر این صورت، اصلاحیه‌ها فقط برای اعضای که قبول کرده‌اند نافذ خواهند بود بجز این که با رأی سه چهارم اعضا تصمیم گرفته شود که اگر یک عضو اصلاحیه را قبول ندارد مجاز باشد از سازمان تجارت جهانی خارج شود یا با اجازه کنفرانس وزیران همچنان [بدون ملزم شدن به اصلاحیه] در عضویت باقی بماند. (در مورد موافقتنامه گتس، اصلاحیه‌ها بر برخی از مقررات با رأی دو سوم اعضا لازم‌الاجرا می‌گردند. در برخی دیگر از مقررات اصلاحیه‌ها برای اعضای که قبول کرده‌اند لازم‌الاجرا می‌گردند ولی مشروط به همان قاعده سه چهارم آرای اخیرالذکر خواهد بود).

اصلاحیه‌ها بر برخی مقررات فقط «با قبولی» کلیه اعضا صورت خواهند پذیرفت که مقررات مزبور عبارتند از مقررات مربوط به «تصمیم‌گیری و اصلاحیه‌ها» (مواد ۹ و ۱۰)؛ ماده ۱ (راجع به شرط ملتهای کامله الوداد) و ۲ گات (راجع به جداول تعرفه‌ای)؛ بند ۱ ماده ۲ گتس (راجع به شرط ملتهای کامله الوداد)؛ ماده ۴ موافقتنامه تریپس (راجع به

شرط ملتهای کامله الوداد). اصلاحیه‌ها بر ضمایم شماره ۲ (حل و فصل اختلافات) و شماره ۳ (راجع به خط مشی تجاری) به وسیله اقدام کنفرانس وزیران (بدون قبولی اعضا) به تنهایی ممکن می‌باشند، ولی درخصوص ضمیمه شماره ۲ تصویب کنفرانس وزیران باید از طریق وفاق عام صورت پذیرد (بند ۸ ماده ۱۰). اصلاحیه‌ها بر موافقتنامه‌های میان چند طرف مندرج در ضمیمه شماره ۴ تابع مقررات خاص در هر یک از موافقتنامه‌های مزبور می‌باشند.

بنابراین ملاحظه می‌شود که آیین اصلاح در منشور سازمان تجارت جهانی کاملاً زیرکانه و البته غامض می‌باشد. روشن است که آیین مزبور با دقت زیاد به منظور پاسخگویی به نیازهای کشورهای مشارکت کننده طراحی شده است و از فرمولهای متفاوت برای اجزای مختلف موافقتنامه‌های چندجانبه و سایر ضمایم منشور سازمان تجارت جهانی استفاده شده است. یک ویژگی مهم تمایل به حفظ «حاکمیت اعضا» می‌باشد. هنگامی که اصلاحیه «حقوق و تکالیف» یک عضو را مورد جرح و تعدیل قرار می‌دهد و عضو مزبور حاضر به قبولی آن نمی‌باشد، این عضو ملزم به آن اصلاحیه نخواهد بود. با این وجود روند خاصی که در بالا به آن اشاره شد، به کنفرانس وزیران اجازه می‌دهد که با رأی سه چهارم اعضا از کلیه اعضا بخواهد که اصلاحیه را قبول کنند و [اعضایی که قبول نمی‌کنند] یا از موافقتنامه خارج شوند یا با رضایت صریح کنفرانس وزیران در عضویت سازمان باقی بمانند [بدون آن که ملزم به آن اصلاحیه باشند]. بنابراین بسیار مشکل خواهد بود که بتوان آیین اصلاح را به نحوی به کار گرفت که یکی از کشورهای مهم تجاری، مانند ایالات متحده آمریکا یا اتحادیه اروپا را به قبولی تغییر در حقوق و تکالیف خود مجبور ساخت.

تحلیل اصلاحیه بر یک کشور مهم تجاری احتمال خروج آن کشور از سازمان تجارت جهانی را مطرح خواهد نمود و بدیهی است که سازمان تجارت جهانی بطور جدی فلج خواهد شد و شاید سقوط خواهد کرد چنانچه یکی از شرکای [اعضای] مهم تجاری بدین نحو از سازمان خارج شود. احتمال این که سایر اعضا موضوعی را تا این حد پیش ببرند ضعیف خواهد بود و در نتیجه کشورهای مهم تجاری در عمل از نوعی حق و تو برخوردار می‌باشند. در عین حال روحیه و رویه گات [سابق] همواره بر تلاش در جهت جمع آرای حداکثر ممکن کشورهای عضو از طریق آیین مذاکره و وفاق عام بوده است و قطعاً نظرات کشورهایایی که در سیستم تجارت [بین‌المللی] مهم می‌باشند، مورد توجه ویژه قرار می‌گرفته است. این روحیه و رویه بدون تردید تغییر نخواهد کرد.

۶. گات، دوره‌های مذاکرات تجاری و سازمان تجارت جهانی

دوره‌های مذاکراتی تجاری و تکامل گات

یکی از شاخص‌های گات که البته مستمر نبوده است، دوره‌های مذاکرات تجاری است که تحت نظارت آن برگزار شده‌اند. تا سال ۱۹۸۵ هفت دور از این مذاکرات (با احتساب مذاکرات اصلی در سال ۱۹۴۷ که پیش‌نویس گات را به‌عنوان اولین دور تهیه نمود) برگزار شده بودند و در سپتامبر سال ۱۹۸۶ تصمیم گرفته شد که هشتمین دور مذاکراتی آغاز گردد.^{۱۰۸} پنج دور اول تقریباً منحصر به مذاکره جهت تعرفه‌ها بود، اگرچه طی چهارمین دور مذاکراتی در «نشست بازننگری» در سالهای

108. See supra note 91. See also Results of the GATT Ministerial Meeting Held in Punta del Este, Uruguay: Hearings before the Subcommittee on Trade of the Committee on Ways and Means, 99th Cong., 2d. Sess., 17-23 (1986).

۱۹۵۵ - ۱۹۵۴ طرفهای متعاهد گات بطور مجزا پیش نویس پروتکلی راجع به اصلاح شروط گات در خصوص اقدامات غیرتعرفه‌ای را تهیه نمودند. در دور ششم یعنی دور کندی، یکی از اهداف مذاکرات تعهدات مربوط به اقدامات غیرتعرفه‌ای بود اما فقط به‌طور محدودی توانست به این هدف نایل شود. دور هفتم یعنی دور توکیو در سالهای ۱۹۷۹ - ۱۹۷۳ بیش از اقدامات تعرفه‌ای به اقدامات غیرتعرفه‌ای اختصاص داشت.

در بیش از ۴۸ سال فعالیتش، پرآوازه‌ترین موفقیت گات بدون تردید کاهش تعرفه‌ها در بین کشورهای متعاهد بوده است.^{۱۰۹} در نتیجه هفت دور مذاکراتی فوق‌الذکر و سایر اقدامات، گروه زیادی از تعرفه‌های مربوط به کالاهای غیراساسی وارداتی به کشورهای صنعتی عضو گات آنقدر کاهش یافته‌اند که اکثر اقتصاددانان و بازرگانان چنین احساس می‌کنند که دیگر تعرفه‌های مزبور مانع جدی برای واردات نیستند. در حقیقت این موفقیت یکی از عوامل مشکلات «وابستگی متقابل» کنونی [کشورها] بوده است. البته سرنوشت کالاهای اساسی، بویژه محصولات کشاورزی، در این حد امیدوار کننده نمی‌باشد. همچنین کشورهای در حال توسعه زیادی بودند که تعرفه‌های گسترده یا سایر محدودیت‌ها را بر واردات خود اعمال می‌کردند، اگرچه درمقایسه با سازمان گات [سابق] شرایط عضویت در سازمان تجارت جهانی اکنون موانع مهمی را در مقابل این عملکردهای کشورهای در حال توسعه قرار داده‌اند و آنها را به همکاری اساسی جهت آزادسازی تجاری ملزم می‌کنند.

109. See Alan Deardorff and Robert M. Stem, *An Economic Analysis of the Effects of the Tokyo Round on the United States and Other Industrial Countries*, Subcommittee on International Trade, Senate Finance Committee, 96th. Cong., 1st. Sess. 111-IV, 1979, Comm. Print 96-15. See also Robert E. Baldwin, Robert M. Stem, and Henryk Kierzkowski, *Evaluating The Effects of Trade Liberalization* (Leiden: Sijthoff, 1979).

جداول تعرفه‌ای مطابق مقررات مندرج در ماده ۲ جزئی از موافقتنامه گات شده بودند. بنابراین تغییرات [در این جداول] در واقع اصلاحات بر ماده مزبور تلقی می‌شدند. با این وجود در رویه و عملکرد گات لازم دانسته نمی‌شد که تغییرات مزبور از طریق «اتفاق آرا» صورت پذیرد. در عوض قبولی هر طرف متعاهدی که جدول تعرفه‌ای آن تحت تأثیر [تغییرات] قرار می‌گرفت به‌عنوان پیش شرط برای لازم‌الاجرا شدن آن جداول محسوب می‌گردید.^{۱۱۰}

دور کندی و اقدامات غیر تعرفه‌ای

اگرچه طرفهای متعاهد گات قصد کرده بودند که دور کندی به معضلات مربوط به اقدامات غیر تعرفه‌ای (NTM) که بطور فزاینده‌ای مشکل ساز می‌شدند، پردازد، نتایج این دور از مذاکرات درخصوص اقدامات غیرتعرفه‌ای بسیار ناچیز بود. فقط یک «کد جانبی» یعنی «کد ضد دامپینگ ۱۹۶۷»^{۱۱۱} محصول این دور از مذاکرات بود. کد مزبور به‌دلیل معضلات قانون اساسی و حقوقی دولت ایالات متحده امریکا تاریخچه دشواری داشته و در سال ۱۹۷۹ توسط دومین «کد ضد دامپینگ» که در دور توکیو تدوین شد، جایگزین گردید.^{۱۱۲}

دور کندی پروتکل مجزایی دیگر - که مکمل پروتکل راجع به تعرفه‌ها بود ولی حاوی مسائل غیرتعرفه‌ای بود - را تدوین نمود. ایالات متحده امریکا از یک سیستم ارزیابی حقوق گمرکی کالاهای وارداتی

110. See Jackson, supra note 2, chapter 10.

111. Agreement on the Implementation of Article VI of the General Agreement on Tariffs and Trade [(GATT, 15th. Supp. BED 74) (1968)].

112. Agreement on the Interpretation of Article VI of the General Agreement on Tariffs and Trade [(GATT, BISD 26 Supp. 171) (1980)].

برخوردار بود که برای برخی از کالاها از شیوه قیمت گذاری [برمبنای] قیمت فروش در امریکا استفاده می کرد. مطابق این شیوه کالاهای وارداتی به وسیله مراجعه به قیمت کالاهای رقیب ساخت داخل امریکا قیمت گذاری می شدند. این شیوه به وضوح موافقتنامه گات را نقض می کرد، اما ایالات متحده امریکا در خصوص موضوع به استثنای «حقوق نیاکان» توسل می جست و آن را بر برخی از کالاهای خاص - اساساً کفش و نظایر آن و محصولات پتروشیمی^{۱۱۳} - اعمال می کرد. سایر کشورهای متعاهد گات - که تمایل داشتند از ایالات متحده تعهد بگیرند که این سیستم را تغییر دهد - آماده بودند که در خصوص تعرفه های گوناگون و برخی مسائل دیگر، با ایالات متحده وارد مذاکره برای دادن امتیازات متقابل شوند. با توجه به این که تغییر در «سیستم قیمت گذاری امریکا» توسط قوه مجریه - بدون ارجاع به کنگره امریکا - قابل توافق نبود و یا امکان اجرایی نداشت، در پایان دور مذاکراتی کندی در ۱۹۶۷، این موضوع و تعهدات متقابل مربوط به آن در پروتکل مجزایی قرار داده شدند، با این هدف که این مسأله مانعی بر سر راه اجرای پروتکل اصلی راجع به تعرفه ها ایجاد ننماید. متعاقباً موافقتنامه جانبی راجع به «سیستم قیمت گذاری امریکا» جهت تصویب به کنگره امریکا ارائه گردید ولی مورد موافقت قرار نگرفت و در نتیجه پروتکل مزبور از بین رفت. درحقیقت به دلیل کاربرد انواع ترفندها به وسیله کسانی که از حمایت از محصولات داخلی در برابر واردات خارجی منتفع می شدند، پروتکل مورد بحث هرگز در صحن مجلس کنگره یا سنا مورد بحث قرار نگرفت. این تجربه تلخ - که با رفتار کنگره امریکا نسبت به

113. See Thomas Curtis and John Vastine, *The Kennedy Round and the Future of American Trade* (New York: Praeger, 1971). Chapters 9 and 10; see also Jackson, Davey, and Sykes, *supra* note 2,411.

ایجاد سازمان تجارت بین‌المللی (ITO) و سازمان همکاری تجاری (OTC) شباهت داشت^{۱۱۴} - یکی از عواملی بود که عدم تمایل و تردید برخی از کشورهای دیگر برای ورود به یک دور مذاکراتی جدید (دور توکیو) در دهه ۱۹۷۰ را موجب گردید.

دور توکیو: موافقتنامه‌های جانبی و گات (وضعیت حقوقی موافقتنامه‌هایی که در دور توکیو منعقد شدند)

هفتمین دور مذاکراتی که در فواصل سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۹ صورت پذیرفت تحت عنوان «دور توکیو» برگزار گردید (البته اصطلاح «مذاکرات چند جانبه تجاری» یا MTN نیز برای خطاب به این دور استفاده شده است). در این دور اقدامات تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای برای اولین بار بطور گسترده مورد بررسی قرار گرفتند. به غیر از مذاکرات اولیه جهت تهیه پیش‌نویس موافقتنامه گات، نتایج «مذاکرات چندجانبه تجاری» [دور توکیو] گسترده‌ترین و از نظر ماهوی مهم‌ترین دستاوردها را در مقایسه با دورهای مذاکراتی قبلی به بار آورد. علاوه بر پروتکل‌های مربوط به کاهش تعرفه‌ها، نتایج «مذاکرات چند جانبه تجاری» مشتمل بود بر نه موافقتنامه ویژه و چهار «تفاهم نامه»^{۱۱۵} موافقتنامه‌ها مربوط به مسائل ذیل بودند:

I. موانع فنی فرا راه تجارت

II. خرید دولتی

III. تفسیر و اجرای مواد ۶، ۱۶، ۲۳ (راجع به یارانه‌ها)

114. See supra section 2.

115. The texts of the agreements and understanding can be found in GATT, BISD 26 Supp. (1980). See also Jackson, Louis, and Matsushita, supra note 2.

- IV. ترتیبات راجع به گوشت گاو
V. ترتیبات راجع به محصولات لبنی
VI. اجرای ماده ۷ (ارزیابی گمرکی)
VII. آیین صدور مجوز واردات
VIII. تجارت هواپیمای خصوصی
IX. اجرای ماده ۶ (تکالیف مربوط به ضد دامپینگ) و تفاهم نامه‌ها
که به مسائل ذیل می‌پرداختند:
- I. رفتار متفاوت و بهتر، رفتار متقابل و مشارکت کاملتر کشورهای
در حال توسعه
- II. بیانیه، درخصوص تدابیر تجاری اتخاذ شده به منظور اهداف تراز
پرداختها
- III. اقدامات حفاظتی به منظور اهداف توسعه‌ای
- IV. تفاهم درخصوص ابلاغ، مشورت، حل و فصل اختلافات و
مراقبت یا نظارت

اثر کلی موافقتنامه‌ها و تفاهم‌نامه‌های فوق گسترده‌تر نمودن قلمرو موضوعی سیستم گات بود.^{۱۱۶} البته وضعیت حقوقی این موافقتنامه‌ها و تفاهم‌نامه همواره روشن نبوده است. موافقتنامه‌های مزبور به صورت معاهدات مستقل تدوین شده بودند و هر یک در برگیرنده شروط نهایی مربوط به امضا بودند و غالباً حاوی ترتیبات سازمانی شامل کمیته امضاکنندگان و مکانیزم حل و فصل اختلاف بودند (اینها همگی در راستای

116. See Robert Stem, John H. Jackson, and Bernard Hoekman, *An Assessment of the GATT Codes on Non-Tariff Measures* (Brookfield, VT: Gower, 1988). See also Jackson, *supra* note 104.

سیاست «تفکیک سازی» که قبلاً بدان اشاره شد، بودند). از نه موافقتنامه فوق هفت موافقتنامه در برگیرنده آن مقدار از تکالیف مشخص بودند که بتوان آنها را «کد» خطاب نمود. دو موافقتنامه دیگر بیشتر یا به ایجاد مکانیزم‌های مشورتی می‌پرداختند یا بیانیه‌های مرتبط با اهداف کلی را اعلام می‌کردند و فقط تعداد اندکی از مقررات موجد تکالیف الزام‌آور را در بر می‌گرفتند. درخصوص یکی از این موافقتنامه‌ها آنقدر مشکلات وجود داشت که ایالات متحده امریکا و برخی دیگر از کشورهای امضاکننده رسماً از آن خارج شدند.^{۱۱۷}

«تفاهم نامه‌ها» وضعیت مبهم‌تری داشتند. آنها که به‌عنوان موافقتنامه‌های مستقل امضا نشده بودند، اغلب بیان‌کننده اهداف و تعهدات کلی بودند و یا (درخصوص شیوه حل و فصل اختلافات) آیین‌هایی را تشریح می‌کردند که قبلاً بکار رفته بودند (البته این جای بحث دارد). «کشورهای متعاقد» تفاهم‌نامه‌های مزبور را در نوامبر ۱۹۷۹ تصویب کردند.^{۱۱۸} تبعات برخی از مقررات این تفاهم نامه‌ها به‌نحوی بیانگر نوعی «معافیت» از سایر تعهدات گات بودند. برخی از مقررات دیگر بیانگر آیین‌هایی بودند که به «تصمیم» مطابق ماده ۲۵ موافقتنامه گات شباهت داشتند.^{۱۱۹}

117. The United States left the International Dairy Agreement at the end of 1984 after the EC had made sales of subsidized Butter to the Soviet Union (see International Trade Reporter 2 [1985], 12). Austria followed suit in March 1985 (International Trade Reporter, 2 [1985], 429).

118. GATT, BISD 26 Supp. 201 (1980).

119. See especially Declaration on Trade Measures Taken for Balance-of-Payments Purposes (GATT, BISD 26 Supp. 205 [1980]) and Decision on Differential and More Favorable Treatment Reciprocity and Fuller Participation of Developing Countries (GATT, BISD 26 Supp. 203 [1980]).

به عنوان معاهدات مستقل «کدهای» فوق فقط کشورهایی که آنها را امضا و تصویب کرده بودند، متعهد می کردند. سؤالات حقوقی بسیاری در مورد رابطه حقوقی این کدها و گات مطرح شده بودند. اولاً از لحاظ نظری طرفهای گات که این موافقتنامه‌ها را امضا نمی کردند، ملزم به آنها نمی بودند و هیچ مقرره‌ای از کدهای مورد بحث به حقوق مبتنی بر گات این دسته از اعضای گات لطمه‌ای وارد نمی ساخت. با این وجود، از آنجایی که تعهدات گات اعم بود از شرط رفتار ملتهای کامله الوداد، چنانچه یکی از کدها رفتار تجاری را مقرر می کرد که در مقایسه با آنچه در موافقتنامه گات پیش بینی شده بود، بهتر بود، چنین رفتاری برای آن دسته از اعضای گات که آن کد را امضا نکرده بودند، می توانست قابلیت اعمال پیدا کند [به عبارت دیگر این دسته از اعضا می توانستند بر مبنای قاعده شرط ملتهای کامله الوداد مدعی رفتار ترجیحی مقرر در کدها بشوند بدون این که آنها را امضا کرده باشند]. در نوامبر سال ۱۹۷۹ طرفهای متعاقد [رسماً] توسط یک «تصمیم» چنین موضعی را اتخاذ نمودند.^{۱۲۰} در عین حال [لازم به تأکید است] که برخی از کدهای مورد بحث در شمول قاعده شرط ملتهای کامله الوداد قرار داده نشده بودند.

برخی از کدها عناوینی داشتند که آنها را به گات مربوط می ساخت، مانند «موافقتنامه راجع به اجرای ماده ۶» یا موافقتنامه راجع به تفسیر و اجرای مواد متعددی از گات. در این موارد کشورهایی که این کدها را امضا نکرده بودند، ادعا می کردند که ملزم به آنها نمی باشند. با این وجود، چنانچه این کدها بتوانند به عنوان «رویه» طرفهای متعاقد گات قلمداد

120. See Action by the Contracting Parties on the Multilateral Trade Negotiations (GATT, BISD 26 Supp. 201 [1980]).

شوند، می‌توان آنها را به‌عنوان گواه تفسیر تکاملی مفاد خود گات تلقی نمود.

بیشتر کدها مکانیزم حل و فصل اختلافات مختص خود داشتند. این موضوع سؤالاتی را در مورد این که آیا یک اختلاف خاص باید مطابق آیین رسیدگی عمومی گات رسیدگی شود یا مطابق آیین خاص مندرج در کدها مطرح کرده بود. سؤال دیگری که مطرح می‌شد این بود که چنانچه هیأت تشکیل شده بر مبنای مکانیزم مختص به کد تفسیری متفاوت از تفسیر هیأت تشکیل شده بر مبنای موافقتنامه گات - از موضوعی مشابه - ارائه دهد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟

امید است که موافقتنامه سازمان تجارت جهانی و نتایج حاصله از سیاست «مجموعه واحد» ابهامات مطروح در بند قبلی را از بین ببرد. همه «کدها» اکنون بخشی از موافقتنامه‌های دور اروگوئه می‌باشند، و در ضمایم منشور سازمان تجارت جهانی قرار گرفته‌اند. به‌علاوه مکانیزم واحد حل و فصل اختلاف طراحی و به‌عنوان ضمیمه شماره ۲ تحت عنوان «تفاهم نامه راجع به حل و فصل اختلاف» ایجاد شده است. البته ضمیمه شماره ۴ حاوی موافقتنامه‌های میان چند طرف است که به کشورهای عضو اجازه می‌دهد که به آنها ملحق نشوند، که بیانگر خروج از عقیده «مجموعه واحد» می‌باشد. در خصوص چهار موافقتنامه‌ای که در ضمیمه شماره ۴ گنجانده شده‌اند یا موافقتنامه‌هایی که ممکن است در آینده به آنها اضافه گردند، برخی از مسائلی که در بالا مطرح گردید ممکن است مجدداً موضوعیت پیدا کنند. به‌علاوه رویه‌های مبتنی بر کدهای دور توکیو و تفاهم نامه‌هایی که در پایان دور توکیو منعقد گردید همگی بخشی از «راهنمایی‌ها و ارشاداتی» هستند که در بند ۱ ماده ۱۶ منشور سازمان تجارت جهانی به آنها

اشاره شده است. برخی از تفاهم نامه‌ها نیز ممکن است به‌عنوان تصمیمات یا معافیت‌های «لازم‌الاجرا» توسط ارجاعات ضمیمه ۱- الف وارد نظام سازمان تجارت جهانی شده باشند.